



انترناسیونال

۳۴۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۹، ۷ مه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود



یونان در شورش و اعتصاب

بهر روز مهر آبادی

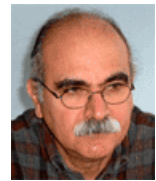
یونان را فراگرفته است. شبکه حمل و نقل متوقف شده و بنادر به حالت تعطیل درآمده اند. فروشگاهها بسته هستند. کارگران بخش های مختلف، معلمان، پرستاران و کارمندان در حال اعتصاب هستند. حتی نیروهای پلیس هم تهدید به اعتصاب کرده اند. دولت یونان به مرحله ورشکستگی رسیده

از روز چهارشنبه ۵ مه اعتراضات ضد سرمایه داری مردم یونان ابعاد تازه ای یافت. این اعتراضات که از دسامبر سال قبل آغاز شده است واکنش مردم خشمگین یونان به سیاست صرفه جویی و ریاضت کشی دولت این کشور است. در حال حاضر اعتصاب سراسری

است و حتی از پرداخت حقوق حامیان خود نیز عاجز است. در شورش های روز چهارشنبه چندین ساختمان دولتی از جمله اداره مالیات، ساختمان های پلیس و چندین بانک به آتش کشیده شدند. صفحه ۳

اول مه: یک گام بلند به پیش

حمید تقوایی



در اول مه امسال همه سرها بطرف جنبش کارگری چرخید. از چند هفته قبل از اول مه مسائل و مشکلات و خواستها و اعتراضات کارگری به موضوع و گفتمان روز جامعه و رسانه ها و نیروهای سیاسی اپوزیسیون تبدیل شد. نیروهای چپ و تشکلهای و نهادها و فعالین جنبش کارگری مانند هر سال به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و پیام و فراخوان و قطعنامه دادند و خود را برای برپاداشتن تجمعات و تظاهرات آماده کردند اما اول مه امسال در ابعاد وسیعتری اجتماعی شد و نه تنها بخشهای مختلف جامعه بلکه حتی نیروهای اپوزیسیون راست را نیز بخود متوجه کرد. علت این امر نیز روشن است. بیش از ده ماه است جامعه در تب و تاب يك انقلاب میجوشد و روز جهانی کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی عمیقی که این روز نماد آنست دیگر نه تنها امر کمونیستها و فعالیت و تشکلهای جنبش کارگری بلکه امر توده مردم بیجان آمده ای است که بمیدان آمده اند تا شر جمهوری اسلامی را از سر جامعه کم کنند. جانپان حاکم نیز بخوبی بر این ویژگی اول مه امسال واقف بودند و تمام توان جهنمی و نیروهای سرکوبگر رنگارنگ خود را بسیج کردند تا از گسترش تظاهرات و اعتراضات در این روز جلوگیری کنند. نیروهای انتظامی و بسیجی و لباس شخصیها و دیگر کله های اوباش اسلامی را بخوابانها ریختند و فضای نظامی بیسابقه ای در صفحه ۲

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند

شهلا دانشفر

از کارگر. روز اول مه تهران و همه شهرها به فرق نیروهای سرکوبگر رژیم در آمد. اما بیرون آمدن وسیع کارگران و مردم در تهران و در شهرهای مختلف اول مه را به صحنه درگیری و جنگ و گریز صفحه ۸

امسال جمهوری اسلامی بیش از هر سال با وحشت و هراس به استقبال اول مه رفت. از یکسوقشون کشی کرد و از سوی دیگر شروع به مجیز گوئی

انقلاب چپ تر میشود!

در باره اول مه ۸۹

محسن ابراهیمی
ذهنشان چقدر به واقعی بودن این تصور باور میکردند یا نمیکردند؛ چه درجه از خود فریبی در آن بود یا نبود؛ مهم این بود که خود این تصویر سازی در میان صفوف خود بهمین نقطه پایان انقلاب مردم است. نظام، تلاشی در مقابله با انقلاب مهم نبود که سران حکومت، در پس صفحه ۷

صدای کارگران و مردم ایران در میتینگ های اول مه در خارج کشور طنین انداز شد

بویژه صدای انقلاب و کارگران ایران را وسیعاً انعکاس دادند. از جمله در هلند در شهرهای آمستردام و رتردام، در سوئد در شهرهای استکهلم، گوتنبرگ، صفحه ۱۲

اول مه روز جهانی کارگر در اقصا نقاط جهان با برگزاری میتینگ و راهپیمائی و سخنرانی و مراسم و جشن و پایکوبی برگزار شد. فعالین حزب در کشورهای مختلف در مارش روز جهانی کارگر نقش فعال داشتند و

جنگ و گریز در شهرهای مختلف در اول مه

جمهوری اسلامی از ترس برپائی تجمعات اول مه از ابتدای صبح ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر، خیابان انقلاب را پر از نیروهای صفحه ۱۱

تهران: کارگران و مردم تهران تحت مقررات شدید نظامی امنیتی اول مه را برگزار میکنند.

پاسخی به گامنت های اینترنتی

اصغر کریمی صفحه ۶

بازتاب هفته

خواست زنان: احترام و آزادی
دور جدید "طرح امنیت اجتماعی"
حجاب: با کار فرهنگی یا زور
کمینگاه روشن
شاخص موفقیت طرح یارانه ها: کاهش مصرف، یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

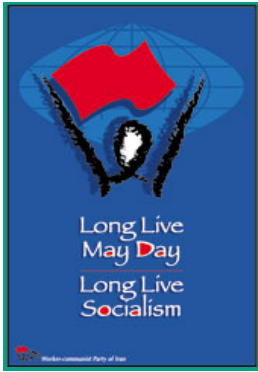
در صفحات دیگر

مارش عظیم اول مه در ترکیه

شکستی دیگر برای حکومت اسلامی در آلمان

اجتماعات گسترده دانشجویان علیه "طرح حجاب و عفاف"

صفحه ۱۰



بدهید. جنبش انقلابی جاری نیازمندی متشکل و متعین شدن و بیان هرچه صریح تر و شفاف تر خواستهها و اعتراضات کارگران و توده مردم از زبان خود مردم است و اول مه نمونه و الگوی روشن و عملی و راهگشایی برای حرکت در این جهت در برابر کل جامعه قرار میدهد.*



پیام علی نجاتی رییس هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه به مناسبت اول مه از زندان دزفول

به دلیل ایجاد سندیکایی که خواست خودمان بود محاکمه شدید و به زندان انداخته شدیم. ولی ما کارگران نباید به هیچ وجه دست از مبارزه برای خواسته هایمان و ایجاد تشکل های مستقلمان برداریم. امید دارم که کارگران در هر جا که هستند بتوانند با اتحاد و با تشکل خود برای دفاع از حقوق و خواسته های خود موفق و سربلند باشند.

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران- علی نجاتی- زندان دزفول
۱۳۸۹-۲۰۱۰ یازده اردیبهشت

بروشنی قدرت و جایگاه تعیین کنند چپ در جنبش کارگری و در کل جامعه ایران را نشان میدهد. اول مه امسال روز اعلام کیفرخواست و نغد رادیکال چپ به کلیت وضع موجود از زبان جنبش کارگری بود. جنبش کارگری میتواند و باید فعال تر و گسترده تر و متحد و متشکل تر از گذشته در این جهت به پیش برود.

اول مه همچنین به دیگر نهادهای و تشکلهای و فعالین دیگر جنبشهای اعتراضی بویژه جنبش آزادی زن و جنبش دانشجویان راه نشان میدهد: متحد و متشکل شوید، با امضای تشکلهای و نهادهای و انواع ان. جی. او. ها خواستهها و اعتراضات خود را بیان کنید، پیام و قطعنامه و فراخوان بدهید، با دیگر جنبشهای اعتراضی اعلام همبستگی کنید و آگسیونهای اعتراضی مشترکی را سازمان

کارگران ایران و جهان؛
روز جهانی کارگر، اول ماه مه را به همه ی کارگران و خانواده هایشان تبریک و شاد باش میگویم.
این روز یادگار همبستگی و اتحاد تمامی کارگران در سرتاسر جهان است و لازم است ما کارگران بدانیم که ما برای رسیدن به خواسته ها و اهدافمان چاره ای جز اتحاد و همبستگی نداریم. کارگران بدون داشتن تشکل های مستقل خود نمیتوانند برای به دست آوردن مطالبات خود کاری کنند. من و دیگر همکارانم در نیشکر هفت تپه

میکنند، خواستار و مدافع حق بی قید و شرط اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی و تشکل و تحزب برای عموم مردم هستند. اول مه اعلام کرد کارگران، بر خلاف نیروهای ناسیونالیستی که سنگ ایرانی گری را به سینه میزنند، با هر نوع بیحقوقی و تبعیض علیه کلیه کارگران و کسانی که با هر ملیتی در ایران کار و زندگی میکنند اعم از مهاجرین افغانی و یا ملیتهای دیگر ساکن ایران، مخالف هستند، و اعلام کرد که کارگران برخلاف نیروهای ملی- مذهبی و فمینیستهای اسلامی، خواهان آن هستند که هر نوع تبعیض نسبت به زنان لغو شود. و بالاخره مهمتر از همه کارگران مساله ای را در محور اعتراض و خواستههای خود قرار میدهند که کلیه نیروهای راست با سکوت از آن میگذرند: مساله فقر و فلاکتی که در جامعه بیداد میکند و ریشه ها و علت واقعی این فقر و فلاکت. مساله دستمزدهای یک چهارم خط فقر، بیکارسازیها و عدم امنیت شغلی، مساله طرح قطع یارانه ها و تاکید بر این واقعیت که هدف این طرح ضد کارگری تشدید استمار و سودآوری بیشتر سرمایه است، و محکوم کردن سیستم سرمایه داری بعنوان ریشه و علت همه این مصائب. این پیام اول مه کارگران خطاب به کل جامعه بود. پیامی که صریح و روشن صف کارگران را در یک بعد سیاسی و اجتماعی از صف کلیه نیروهای راست جدا کرد.

حزب ما مدتهاست بر این واقعیت تاکید میکند که چپ و نقد و اعتراض چپ به وضع موجود در جامعه ایران یک جریان و گرایش قوی و وسیع است. اول مه امسال تاکید دیگری بر این واقعیت بود. در این روز کارگر نه بعنوان قربانی این نظام، تصویری از کارگر که نیروهای اپوزیسیون راست نیز برسمیت میشناسند و با آن مشکلی ندارند، بلکه بعنوان پیشرو و پرچمدار مبارزه توده مردم برای رسیدن به آزادی و برابری قد برافراشت و بمیدان آمد. این عرض اندام سیاسی- اجتماعی، حتی در اتحادیه ها و جنبش کارگری میتلا به رفرمیسم سندیکالیستی در کشورهای غربی، بیسابقه است و

خواستار لغو طرح یارانه ها و افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان را اعلام میکنند، اعلام میکنند مجازات اعدام باید لغو شود، کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان باید لغو شود، کار کودکان باید لغو شود و کودکان مستقل از موقعیت اجتماعی و اقتصادی والدین خود از امکانات آموزشی و رفاهی رایگان و یکسانی برخوردار شوند. کارگران در این قطعنامه هرگونه تبعیض نسبت به کارگران مهاجر افغانی و دیگر ملیتها را محکوم میکنند و حمایت خود را از معلمان و پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه اعلام میدارند.

اینها همه حرف دل و خواست و آرمان توده مردمی است که بیش از ده ماه است علیه کل این وضعیت ضد انسانی بپا خاسته است. این پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی بی کم و کاست کارگری است که در دل جنبش انقلابی جاری برافراشته میشود تا جامعه بروشنی دریابد که چگونه باید دست به ریشه برد و کل حکومت و نظام جمهوری اسلامی را بمصاف طلبید. تا جامعه در برابر تلاشهای نیروهای اپوزیسیون راست و جناح سبز حکومت برای تحریف خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم در چارچوب قانون اساسی و حقوق بشر اسلامی و یا دمکراسی نوع "نظم نوینی" و حقوق بشر نوع "گورش کبیر"، آلترناتیو انقلابی و عمیقاً انسانی مطلوب خود را از زبان کارگر بشنود و بازبشناسد. بیش از ده ماه است که توده مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر اصل ولایت فقیه رژیم را به مصاف طلبیده اند و قطعنامه کارگران ترجمه و معنی و متعین کردن این شعارهای "ساختار شکن" در قالب خواستههای روشن و شفاف انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه است.

از سوی دیگر همه این واقعیات نشاندهنده آنست که در اول مه امسال جنبش کارگری نه فقط در برابر حکومت بلکه عملاً در نقد و تمایز از کلیه نیروهای راست بمیدان آمد. اول مه نشان داد که این کارگران هستند که برخلاف همه آن نیروهایی که اعتراض و تظاهرات را به قانون اساسی و چارچوب نظام محدود

اول مه: یک گام بلند ...

از صفحه ۱

تهران و شهرهای دیگر بوجود آوردند. این تمهیدات در محدود نگاهداشتن صفوف تظاهرات و جلوگیری از تجمع توده مردمی که برای بزرگداشت این روز بخیبایانها آمده بودند موثر بود اما نتوانست از طرح وسیع خواستههای کارگران در میان توده مردم و عطف توجه جامعه به نقد و اعتراض عمیق کارگری جلوگیری کند. اول مه امسال در واقع فرصتی بود تا جنبشی توده ای که ده ماه است جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده نقد و اعتراض خود به وضع موجود را از زبان کارگر بشنود.

حزب ما از آغاز این جنبش همواره بر ضرورت تعمیم و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر مضمون اعتراضات و خواستههای آن، اعلام وجود نهادهای و تشکلهای علنی و اعلام خواستهها و مطالبات بخشهای مختلف جامعه بوسیله این نهادها و فعالین، و کلا شفاف تر و متعین تر و متشکل تر شدن انقلاب در ابعاد مختلف تاکید کرده و با تمام توان در این راه کوشیده است. یک شرط مهم پیشروی انقلاب در این جهت بمیدان آمدن جنبش کارگری در پیشاپیش صفوف مردم معترض و بلابردن پرچم اعتراض و خواستههای رادیکال کارگری در یک مقیاس وسیع اجتماعی است و اول مه امسال یک گام مهم و تعیین کننده در این راستا بود. قطعنامه یازده ماده ای که از جانب ده تشکل و نهاد کارگری بمناسبت اول مه منتشر شد هم از نظر مضمون خواستههای رادیکال و جامعی که مطرح میکنند هم از لحاظ نفس چنین اقدامی یک شاخص مهم این پیشروی است.

کارگران در این قطعنامه علیه "سیستم سرمایه داری ایران" کیفرخواست خود را اعلام میکنند و "یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و توده های مردم ایران" میدانند. کارگران در این قطعنامه خواهان حق تشکل و اعتصاب و تجمع و آزادی بیان برای خود و "عموم مردم ایران" میشوند،

اساس سوسیالیسم انسان است!

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

یونان در شورش و ...

از صفحه ۱



بهروز مهر آبادی

مردم برای تصرف پارلمان هجوم بردند که مورد حمله شدید نیروهای پلیس قرار گرفتند. گروهی از معلمان ایستگاه رادیو و تلویزیون را تصرف کرده و برای ساعاتی در اختیار خود داشتند که با حمله نیروهای امنیتی مجبور به ترک آنجا شدند. در تظاهرات روز چهارشنبه سه نفر کشته شدند. اعتراضات گسترده چندین ماه است که در شهرهای مختلف بویژه در آتن و شهر تسالونیک ادامه دارد و تاکنون صدها نفر دستگیر و زندانی و صدها نفر در برخورد های خیابانی با پلیس مجروح شده اند. اعتراضات گسترده مردم یونان ادامه دارد اما دولت این کشور همچنان مصمم است که برنامه اقتصادی خود را به مرحله اجرا درآورد. این برنامه شامل کاهش فاحش دستمزدها و مزایای کارگران و کارمندان و حقوق بازنشستگان، افزایش سن بازنشستگی و بالا بردن نرخ خدمات عمومی و افزایش مالیات های مستقیم و غیر مستقیم است. فساد گسترده مالی، رشوه خواری و رسوایی های اقتصادی در سال های اخیر منجر به اعتراضات گسترده ای بر علیه دولت دست راستی دموکراسی نو شد. این اعتراضات که در طی آن یک نوجوان پانزده ساله به دست نیروهای پلیس کشته شد، منجر به برگزاری یک انتخابات قبل از موعد و کنار رفتن دولت دست راستی دموکراسی نو گردید. در انتخابات اکتبر ۲۰۰۹ حزب سوسیالیست به رهبری جرج پاپاندرو به پیروزی رسید و دولت را تشکیل داد. سرمایه داری یونان امیدوار بود که به قدرت رسیدن حزب سوسیالیست به رهبری جرج پاپاندرو به اعتراضات وسیع خاتمه دهد و با حمایت دو اتحادیه بزرگ کارگران بخش خصوصی GSEE و اتحادیه کارگران خدمات دولتی ADEDY مردم را به خانه هایشان بفرستد. اما

دولت پاپاندرو بدهی دولت قبلی به مبلغ ۳۰۰ میلیارد یورو را ارث خود دانست و رفتار بر اساس موازین اتحادیه اروپا و بانک جهانی را پذیرفت و پرداخت بدهی حاصل از غارتگری های سرمایه داران و بانکداران را به عهده مزد بگیران یونان گذاشت. به زبان ساده تر هر کودک یونانی پس از تولد نزدیک به سی هزار یورو بدهی دارد که باید در طول عمر خود آن را بپردازد. برنامه اقتصادی دولت خشم مردم را برانگیخت و تظاهرات های گسترده بر علیه سیاست دولت از دسامبر سال گذشته آغاز گردید. دولت های اروپایی از آشکار شدن وضعیت وخیم اقتصادی یونان ابراز شگفتی و نگرانی کردند. یونان از سال ۱۹۸۱ عضو اتحادیه اروپا است و از اولین کشورهایی است که سیستم پول واحد اروپا یعنی یورو را پذیرفت. بنابراین اقتصاد یونان در رابطه تنگاتنگ با اقتصاد اتحادیه اروپا قرار دارد و بخشی از آن بشمار می رود. کشورهای عضو اتحادیه و پیمان پولی اروپا موظفند گزارش های منظم و دقیقی از وضعیت اقتصادی خود به این اتحادیه ارائه دهند. اعلام شد که یونان ارقام واقعی وضعیت مالی خود را اعلام نکرده است. بطور عادی چنین عملی کلاهبرداری نامیده می شود و عاملین آن را تحت تعقیب قرار می دهند، اما اتحادیه اروپا و دولت فعلی یونان ترجیح دادند که در این مورد سکوت کنند و روی این مسئله سرپوش بگذارند. اما تا همانجا هم که بناچار در این مورد صحبت شده، بی اعتباری گزارش های اقتصادی، آمارها و برنامه های مالی دولت ها رسماً اعلام گردیده است. اکنون دولت یونان برای گرفتن وام و گذراندن امور روزانه خود دست استمداد به طرف اتحادیه اروپا دراز کرده است. اما حتی این اتحادیه به تنهایی قادر به کمک به یونان نبود و از صندوق جهانی پول کمک خواست. هر چند که این امر برای اتحادیه اروپا مطلوب نیست چون دخالت آمریکا را در اقتصاد اروپا بیشتر می کند. قرار شد وامی نزدیک به ۱۲۰ میلیارد یورو در مدت ۳ سال در اختیار دولت یونان گذاشته شود که یک سوم آن از طرف صندوق بین المللی پول پرداخت می شود. اما خیلی زود دولتهای

اروپایی متوجه شدند که این پول کلان نیز برای نجات یونان بهیچوجه کافی نیست و آترا تا سطح ۱۸۵ میلیارد یورو افزایش دادند. پرداخت این وام به شرط تصویب برنامه ریاضت کشی اقتصادی و اداره اقتصاد یونان تحت نظارت صندوق بین المللی پول است. اصلاحات آهین اقتصادی (اصطلاح نخست وزیر یونان) در درجه اول کارگران، کارمندان و بازنشستگان را مورد تهاجم قرار می دهد. بحران عمیق اقتصادی و سیاسی در یونان ادامه دارد. علیرغم سرکوب شدید، مردم به اعتراضات خود ادامه می دهند. این اعتراضات به رهبری سازمان ها و احزاب چپ و سنیکیهای کارگری است. دو اتحادیه بزرگ کارگری که تا بحال در حمایت از دولت سکوت کرده بودند برای از دست ندادن اعضای خود ناچار شدند که از روز چهارم مه اعلام اعتصاب عمومی کنند. فضای اعتراضات وسیع مردم یونان کاملاً چپ و ضد سرمایه داری است. اما خواست اصلی مطرح شده توسط این اتحادیه ها و احزاب لغو تمام بدهی های یونان به بانک ها و سایر دولت ها است. جای خالی یک حزب سیاسی که بتواند نقد واقعی و عمیق مردم بر علیه سرمایه داری را رهبری کند در مبارزات مردم یونان واضح و آشکار است. دامنه بحران اقتصادی در اروپا بسیار فراتر از یونان است. اتحادیه اروپا از سوئی نگران سرایت اعتراضات گسترده مردم یونان به سایر کشورهای بحران زده است و از سوی دیگر دادن هر گونه کمک اضافی و کوتاه آمدن در مقابل خواسته های مردم را می تواند دامنه اعتراضات و توقعات مردم را گسترده تر کند. دولت ایسلند چند ماه پیش ورشکست شد و دولتهای ایتالیا، ایرلند، اسپانیا و پرتغال، لتونی و مجارستان با دشواری های مالی شدید روبرو هستند و نگرانی شدید در مورد توان پرداخت بدهی های دولت های این کشور ها وجود دارد. نسخه ریاضت اقتصادی برای مردم ایرلند هم پیچیده شد و موجب اعتراضات مردم آن کشور شد. اما در یونان این اعتراضات ابعاد بسیار گسترده تری بخود گرفت. با بحران عمیق اقتصادی یونان اکنون کل اروپای

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواسته های حداقل فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

کانال جدید را وسیعاً تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعاً آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7
 Degrees West Freq: 10873
 Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500
 Fec: 3/4

یونان نوبت کدام یک از کشورهای اروپایی است و چگونه میتوانند بحران یونان را در چارچوب خود یونان مهار کنند.*

واحد در آستانه بازگشت یک بحران اقتصادی تمام عیار قرار گرفته است. سوال اکنون این نیست که آیا با این وامها بحران یونان فروکش خواهد کرد یا نه، بلکه اینست که بعد از

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

بازتاب هفته

خواست زنان: احترام و آزادی



محمد شکوهی

ما تنها حقی را می‌خواهیم که همه این سالها نیز خواسته ایم: احترام و آزادی! این سخن یکی از دختران دانشجو است که در میتینگ اعتراضی اواسط هفته گذشته که در دانشکده هنردانشگاه تهران در اعتراض به حجاب و مقنعه برپا شده بود، سخن گفت. این جمله کوتاه در بطن خود یک دنیا مطالبه و خواست را فرموله کرده است. احترام و آزادی! احترام در چارچوب حقوق انسانی! آزادی. آزادی مخالفت با حجاب و عدم رعایت حجاب اجباری اسلامی و مقنعه و آزادی به معنای وسیع و همه جانبه آن! این اعتراض یک حرکت مهم در متن دوره کنونی است. اینکه دانشجویان دختر و پسر بطور مشخص دست به اعتراض به حجاب اسلامی اجباری می‌زنند، یک پیشروی در جنبش آزادی زنان و در جنبش انقلابی مردم است. حجاب و قوانین ضد زن به همراه طرح جداسازی، تفکیک جنستی در دانشگاهها، طرح پوشش اسلامی یا فرم لباس مجموعه اقدامات جمهوری اسلامی برای اسلامیزه کردن دانشگاهها در طول سه دهه گذشته بوده است. در طول سه دهه گذشته در کنار سرکوب وحشیانه، دستگیری، زندان و اخراج هزاران استاد و کارکنان زن و گذاشتن سد و موانع شرعی و عرفی بر علیه حضور زنان در دانشگاهها، رژیم در صدد بود و هست که دانشگاهها را اسلامی بکنند! امروز در اوج درمماندگی حکومت، آخوندها و سران و مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند که طرح و نقشه هایشان به شکست منجر شده است، که دانشگاههای ایران فرقی با دانشگاههای اروپایی از نظر اختلاط پسر و دختر ندارد، که کتابها و جزوات "ضاله" دست بدست می‌چرخد، که آرایش و مد لباس های مدرن غوغا می‌کند، که دختران دانشجو بیشتر شبیه مانکن های فرودگاههای اروپایی لباس می

پوشند، سالن های غذا خوری دانشگاهها محل قرارهای رابطه های خارج ازدواج شده است، و نمونه های زیادی از این دست را هرروز دارند اعتراف میکنند. روشن است که این جملات رنگ و بوی متعفن آخوند و ارتجاع اسلامی را با خود دارد، و در عین حال پوششی برای تدارک تعرض به دانشگاههاست. اما علاوه بر همه اینها اعترافی به شکست حکومت در دانشگاهها و در مورد مساله حجاب است. این روزها آخوندهای بلند پایه رژیم و امام جمعه ها، انجمن های اسلامی دانشگاهها و دوایر حراست و وزارت خانه های مربوطه مدام از وضعیت بد حجاب شکوه و گلایه کرده ضمن تهدید به برخورد با بدحجابی ویسی حسابی، خبیر از به راه انداختن "جنبش دفاع از نوامیس مسلمین" می‌دهند! آیت الله های کله گنده به همراه حوزه علمیه قم "کاروانهای مدافعان حجاب" بهراه انداخته، امامان جماعت رژیم در نماز جمعه های حکومتی ارادل و اوباش حزب اللهی و خواهران زینب شان را در خیابانها چرخانده و بر علیه "بدحجاب ها" عریده کشی به راه می‌اندازند. نظریه پردازان قهقی و شرعی حکومت زلزله و بلاهای طبیعی را به بدحجابی زنان نسبت داده... خلاصه کلی چرند و پرت و پلا گفته و می‌گویند. اما در کنار این هجویات جمهوری اسلامی و پرت پلا گویی های مقامات حکومتی در دانشگاهها، در بطن جامعه جنبش عظیم ضد اسلامی و برابری طلبانه زنان مانند آتش زیر خاکستر زبانه کشیده و هر روز شعله و رتر می‌شود. حجاب این سنبل سرکوب و تحقیر پاشنه آشیل حکومت بوده که حول مخالفت با آن جنبش عظیم رهایی از مذهب و حکومت اسلامی گرد آمده است. جنبشی که بیش از سی سال است جنگیده و ولی شکست نخورده و امروز دوباره سربلند کرده است. خود حکومت و مقامات رژیم به خوبی می‌دانند که از سرکوب این جنبش عاجز و درمانده هستند. امروز حمله به زنان تحت عنوان "بدحجابی" و "فرهنگ غربی" و امثالهم فقط حمله به زنان نیست. در واقع حمله ای به کل زنان و مردمی است که میخواهند و دارند انقلاب میکنند که جمهوری اسلامی را از این جامعه بطور کامل جارو کنند.*

دور جدید "طرح امنیت اجتماعی"

محمد شکوهی

اوایل هفته گذشته نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در تهران (ناجا) خبر از اجرای دور جدید "طرح امنیت اجتماعی" در سراسر تهران داد. بر اساس این خبر نیروهای انتظامی طی يك عملیات شبانه در تهران بیش از ۵۰۰ نفر را به اتهام مخدر دستگیر کرده اند. بنابراین اخبار نیروهای انتظامی به همراه سربازان "گمنام امام زمان" شبانه در محلاتی که از نظر رژیم "آلوده" است یورش برده و با برقراری ممنوعیت عبور و مرور شبانه اقدام به بازرسی اماکن می‌نمایند. در همین رابطه ساجدی فرمانده ناجای تهران روز سه شنبه اعلام کرد که نیروی انتظامی ۹ طرح را در دستور کار خود دارد: طرح اول که برخورد با مواد فروشان خرد بود، چند شب گذشته آغاز شد، از سوی دیگر طرح هایی همچون برخورد با "مزاحمان نوامیس، امنیت پارکها به زودی در تهران آغاز می‌شود. بر اساس يك خبر دیگر ناجا طرح امنیت اجتماعی به مناطقی که "دشمنان نظام" برای گسترش فعالیتهاشان از آنجاها استفاده می‌کنند: گسترش خواهد یافت. سخنگوی ناجای تهران مدعی شد که یکی از تاکتیک های مخالفان نظام استفاده از این مناطق برای "تهاجم فرهنگی" می‌باشد. در همین حال نیروی انتظامی در محلاتی از تهران با پخش اعلامیه تهدید کرده است که متهمان يك هفته وقت دارند تا "توبه" کرده وگرنه با اشد مجازات روبرو خواهند شد. طرح امنیت اجتماعی يك جزء ثابت سیاست سرکوب رژیم بر علیه مردم و مخالفان حکومت است. بهانه ها و توجیهاتی که رژیم برای این سیاست کثیفش ارائه داده و می‌دهد تنها برای رد گم کردن می‌باشد. بهانه مواد مخدر اتهام نخ نمای رژیم برای نظامی کردن فضا و جو جامعه، برای پیشبرد سیاستهای بشدت ضد انسانی اش می‌باشد. طرح امنیت اجتماعی قرار است جلوی "تهاجم فرهنگی" (بخوان عطش و شور و شوق به زندگی مدرن و انسانی) را در جامعه سرکوب و نابود نماید. اما اگر يك وجه این سیاست ادامه سرکوبیهای رژیم در اشکال دیگر است، وجه دیگر آن بیانگر مخالفت فرهنگی عظیم و گسترده مردم بویژه جوانان و زنان با مظاهر فرهنگ عقب مانده و اسلامی و ضد زن و ضد مردم

حجاب: با کار فرهنگی یا زور



غلام اکبری

در روزنامه رسالت به تاریخ سه شنبه ۱۴ اردیبهشت مقاله ای چاپ شده بود که عنوانش يك سوال و يك اعتراف بود: "برای حجاب چه کردیم؟" و گشت ارشاد کافی نیست" محمد حسین زاده نویسنده مقاله، مدعی شده است: "...سی سال از انقلاب گذشته است، چند فیلم سینمایی در مورد حجاب و حفظ حجاب داریم؟ چند رمان نوشته ایم و چند سریال ساخته ایم؟ ... آقایان مسئول امر بدانند که فقط گشت ارشاد کافی نیست، اول باید نگاهتان را اصلاح کنید و بعد فرهنگ را و سینما و تلویزیون را و کتاب و مدرسه و دانشگاه را. اگر در فردی این باور را ایجاد کردید که "حجاب تاج بندگی است"، هرگز رضایت نخواهد داد این تاج از سرش به یغما برود". نویسنده دارد اعتراف میکند که بعد از سی سال بگیر و ببند و سرکوب، شکست خورده ایم و حجاب را نتوانسته ایم به زنان قالب کنیم. و اکنون باید "کار فرهنگی" کرد! جوابش را حتما خودپهانشان داده اند که برادر! دیگر خیلی دیر شده است و کار از این حرفها گذشته است. وسط يك انقلاب و جنبش گسترده سرنگونی طلبی که نمیشود دیگر کار فرهنگی کرد. همان زمانی که قرار است کار فرهنگی روشن صورت بگیرد دارند با مشت به دهانمان می‌زنند. از منظر ایشان اگر خانمها این تاج را داغ بردگی میدانند مقرر مسئولینی هستند که

می‌باشد که در قالب مخالف عمومی و گسترده اجتماعی جمهوری اسلامی را به مصاف کشانده است. سران و مقامات رژیم بیش از سه دهه است که سیاست مقابله با مظاهر مدرن و زندگی انسانی را به نام "ضدیت با سنن و شعائر اسلامی" را در دستور خود داشته و به اعتراف خودشان علیرغم همه سرکوبها موفق نشده اند جلوی "تهاجم فرهنگی" را بگیرند. اینها اعتراف به شکست يك سیاست فرهنگی ضد انسانی خود رژیم است که مردم به آن تحمیل کرده اند. در این میان تهدید، دستگیری اعدام؛ چرخاندن متهمان در ملاعام زندان و

فقط خواسته اند، با گشت ارشاد مردم را ارشاد کنند. ایشان از قماش "فرهنگی" کارهای اصول گراست. اما یکی از زنان حکومت مریم مجتهد زاده، رئیس "کمیسیون مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری" گفته: "اگر کار فرهنگی در گسترش حجاب نتیجه ندهد، ممکن است (دقت کنید: "ممکن است") مسئولان مجبور به استفاده از زور شوند". عجب حکایتی است. یکی میگوید کار فرهنگی لازم است چون زور شکست خورده است. دیگری میگوید کار فرهنگی بدون زور فایده ندارد! و هر دو دارند از يك واقعیت حرف می‌زنند. اینکه سی سال هر دو کار را کرده اند و "کار فرهنگی" را با زور و جنایت در پیش گرفته اند و شکست خورده اند. انگاری سران رژیم و روشنفکرانش خیال میکنند که مردم دچار فراموشی شده اند و بلاهایی که اینها طی این سالها بر سرشان آورده اند را بخاطر ندارند. (شاید روزهای انقلاب ۵۷ بعضیها خوشان گرم بود و یا از سر سادگی تعرض این اوباش را به حقوق زنان دستم گرفتند). اینها به محض رسیدن به قدرت، انسانیت را در قانون ۱۴۰۰ سال به عقب بردند و با شلاق، زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام، اسیدپاشیدن، تیغ زدن و چماقدارانسان توانستند خود را بر ابریکه قدرت نگه دارند. "کار فرهنگی" هم که ماشاء الله کم نکردند. اما اکنون رسیده اند سر خط: چه کنیم که زنان حجاب را قبول کنند. جواب مردمی که به خیابان آمدند و با پا به کلیت نظام نه گفتند این بار هم این است که گورتان را با حجابتان گم کنید تا بشریت نفسی بکشد. این راه نه با "کار فرهنگی" بلکه با زور انقلاب به شما داریم تحمیل میکنیم. همه زنان و مردم شریف ایران تشنه آزادی هستند و این "تاج بندگی" را هر روز دارند زیر پا لگدمال میکنند.*

شکنجه نتوانسته جلوی گسترش فرهنگ مدرن و بشدت ضد اسلامی را بگیرد. بی دلیل نیست که سران و مقامات رژیم "تهاجم فرهنگی" را بزرگترین دشمن درونی نظام در درون جامعه دانسته و با آن اعلام جنگ کرده اند. واقعیت این است که مقاومت و مخالفت های گسترده مردم همه سیاستهای اسلامیزه کردن جامعه را به شکست کشانده است. طرح های "امنیت اجتماعی" توجیه بی شرمانه و ضد انسانی برای ادامه سرکوبهای گسترده در جامعه و ایجاد فضا و جو نظامی و ارباب برای ادامه حکومت کثیف شان می‌باشد.*

بازتاب هفته

شاخص موفقیت طرح پارانه ها: کاهش مصرف

یاشار سهندی

دکتر محمدحسین فرهنگی عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و تحول اقتصادی مجلس در اولین نشست علمی مصادیق و شاخص همت مضاعف و کار مضاعف در تولید و بهره وری که در سالن مدرس وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد اظهار داشت: "از مهمترین آثار مثبت طرح هدفمندسازی پارانه ها در صورت اجرای صحیح آن کاهش مصرف است." این گفته اساس و جوهر طرح "تحول اقتصادی" جمهوری اسلامی است که از جانب خیلی های دیگر هم به زبانهای اعلام شده است. بنیان این طرح و طرح اصلی که طرح بانک جهانی باشد همین "کاهش مصرف" است. قبلا سران دولت احمدی نژاد از اینکه هدف وارد کردن "شوک مصرفی" به جامعه است صحبت کرده بودند. و ما هم گفتیم که طرح "هدفمند کردن" از مغز احمدی نژاد بیرون نبریده. نمونه دیگر تحت عنوان دیگر از اینروزها در یونان شاهد هستیم که به قیمت خون مردم میخواهند اجرا کنند. دولت یونان میخواهد مردم یونان را وادار کند که "کمتر مصرف کنند". از طریق افزایش مالیاتها و کاهش حقوق ها میخواهند به کاهش مصرف برسند و اعتراض مردم در یونان به این امر ضد بشری تاکنون سه کشته برایشان باقی گذاشته است و شورشها و اعتصابات سراسری ادامه دارد. کاهش مصرف؟ ما مردم دیگر باید چه چیز را کاهش دهیم؟ هم اکنون که مثلا سوسیس برخی کالاها هنوز برقرار است با سطح دستمزدهای کنونی که چندین برابر پایین تر از خط فقر رسما اعلام شده است جز تهیه غذایی که از گرسنگی نمیریم چیزی باقی نمانده است که مصرف کنیم. اما دولت سرمایه داری همین را هم میخواهد از ما دریغ کند. فقیرانه ترین غذایی که در ایران مشهور است، نان و پنیر و هندوانه است. هم اکنون هندوانه کیلویی ۴۰۰ تومان است، پنیر درجه ۳ (معروف به پنیر گچی) کیلویی ۳۰۰۰ تومان، یک عدد نان بربری که

بشود آن را بلعید ۳۰۰ تومان است. برای یک خانوار چهار نفری همین غذای ساده در یک وعده میشود چیزی نزدیک ۳ هزار تومان که اگر ۳ وعده در روز تکرار شود تمام حقوق یک روز یک کارگر را میبلعد (براساس پایه حقوق سبب و سه هزار تومان) البته یک هزار تومانی ته آن میماند که لابد میشود با آن خیلی کارها کرد! این "خیلی کارها" هر چه باشد غذایی خوب نیست. لباس خوب هم به تن ما برآزنده نیست؛ مسافرت، تفریح، مهمانی دادن و مهمانی رفتن، جشن تولد گرفتن، کادویی برای همسر و فرزند و... اموری مربوط به از ما بهتران است. دندان کاشتن پیشکش مان، همان دندان پوسیده را پر کردن برای ما زاید است، اما حتی دندان کشیدن بین بیست تا سی هزار تومان خرج روی دست میگذارد. احمدی نژادها میگویند هر آنکس که دندان دهد نان دهد! برای همین دندان را عضو لوکس بدن میدانند و بهتر است کشیده شود تا نان هم نخواهد! اگر همین امروز گذرتان به "بیمارستان میلاد" بیفتد به عنوان مجهزترین بیمارستان که تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی است تا چند ماه دیگر هم نوبت به شما خواهد رسید. در بخش پذیرش آن آشوبی از مردمان مستاصل و بی پول است. مردمی که ماهیانه سی درصد از حقوق شان کسر میگردد تا روزی از همین امکانات استفاده کنند. اما برای استفاده آن باید خودشان را به در دیوار بکوبند. میگویند مردم ایران اهل مطالعه نیستند یکی نیست بگوید بی انصافها با کدام پول، با کدام وقت؟ منی که مجبورم از خورد و خوراک و خیلی چیزها بزم تا پولی در طی یک سال پس انداز کنم تا یک جوری خودم را برسانم به یکی از شهرهای کردستان، تا شاید چهار تا وسیله ضروری زندگی (شلوار، تلویزون، قابلمه و پوشک بچه...) را از آنجا با نصف قیمت تهیه کنم و تازه تهیه این کالاها هم به قیمت خون اهالی آنجا تمام میشود؛ میشوم بی فرهنگ! من و امثال من همیشه هم سرزنش میشویم که اهل فرهنگ و مطالعه نیستیم، عقب مانده هستیم؛ بقول مسلمانان: بابا انصافاتان شکر! حالا "علما و

فضلا" میخوانند همین ها را نیز کاهش دهند بهتر است بگویم از بین ببرند و تازه دو قورت نیم شان باقی است که چرا "اظهار نامه" دولت را که پرسیده بود چی دارید و ندارید را "صحیح" پر نکردید، پس پول نقد خبری نیست!

آقایان مدعی هستند که قیمت ها کالاها باید واقعی شود، آزاد شود به زبان بشری یعنی اینکه چندین برابر شود. اما در مورد یک کالای اساسی این جامعه یعنی نیروی کار درست برعکس معتقد هستند که باید منجمد شود! این طرح اگر یکی از اهداف مثبت آن به زعم آقایان کاهش مصرف است در مورد نیروی کار کار درست برعکس نظر دارند. معتقدند که این یک کالا را تا میتوان باید مصرف کرد و تا میتوان و تا جا دارد با کمترین قیمت. و اگر امکان دارد آنرا هم نپرداخت. روی دیگر این طرح، مصرف تابی نهایت کالای نیروی کار است و در عین حال پرداخت کمترین قیمت برای آن. هم اکنون این را نیز اجرا کرده اند، با تضمین نیروی امنیتی و پلیس و زندان و شکنجه و کارشناسانی مثل جناب دکتر مورد اشاره در بالا و کارشناسان دیگر که از آشخور دیگری میخورند. از این دکتر بگیر تا کارشناسان بی بی سی و رادیو فردا و فلان نظریه پرداز جنبش سبز معتقدند این طرح لازم و خوبی است. منتها اگر بشود خوب اجرایش کرد. همین دکتر مورد بحث هم موافق است باید خوب اجرایش کرد! "خوب" اجرایش کرد "یعنی اینکه بتوان طوری انجام داد که صدای مردم در نیاید و اگر صدایشان درآمد تضمینی باشد که بشود سرکوبش کرد. برای بخش نظامی و انتظامی و امنیتی مثل ریگ پول خرج میکنند برای همچنین روزهایی است که بتوانند این طرحهای خانمان برانداز را خوب اجرا کنند. اما در برابر همه اینها من حقیر همراه دهها میلیون نفر دیگر طرح بهتری داریم. که باعث میشود جلوی یک عالمه خرج و مخارج و حیف و میلهای بیلیونی و تریلونی گرفته شود و مردم هم هرچه دلشان میخواهد مصرف کنند و رفاه داشته باشند و شاد باشند. و آن به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و کل این سیستم بچاپ بچاپ سرمایه داری است. صبر کنید زیاد طول نمیکشد که آنرا عملی کنیم. *

کمینگاه روشن



سیامک بهاری

وضع وحال پریشان جمهوری اسلامی از زبان صادق لاریجانی رئیس قوه قضاییه، یکی از آیت الله های میلیاردر و قمه کش حکومت اسلامی شنیدنی است. او در سرمقاله روزنامه رسالت - ارگان رسمی اصولگرایان بیت رهبری - به بهانه سر و شاخ شدن "با نفاق سبز" سردرگمی نظام اسلامی را بخوبی نمایان کرد. دیگر کار از اشارات و کنایات و به میخ و نعل زدن گذشته است. او با صراحت از به کمین افتادن جمهوری اسلامی سخن میگوید. او میگوید "به نظر من دو کمینگاه روشن محل سرمایه گذاری خط نفاق و دشمنان اسلام و این ملت است: یکی رابطه علما و فقهای بزرگوار با دولت و دیگری محملهای اعتراضی صنفی و عمدتاً اقتصادی". ترجمه این عبارت به سیاست یعنی رابطه بالایی ها خراب است و نمی توانند حکومت کنند. علما و فقها و دولت دارند به هم و به دولت اسلامی لنگ و لگد میزنند و همدیگر را گاز میگیرند و حسابی بجان هم افتاده اند. دلایل هم کاملاً روشن است، همان که آنرا "کمینگاه دوم" و "محملهای اعتراضی صنفی و عمدتاً اقتصادی" می نامند! این عبارت را اگر به زبان آدمیزاد ترجمه کنی میشود جبهه اعتراض مردم به وضع موجود علیه حکومت خط فقر! همان که مردم نزدیک به یکسال است، علناً در خیابانها فریاد میزنند، حکومت خط فقر نمی خواهیم نمی خواهیم! هر دو پارامتر را کنار هم بگذاری میشود جواب معادله؛ بالایی ها نمی توانند حکومت کنند و پایینی ها هم وضع موجود را نمی توانند تحمل کنند! به همین سادگی! درعالم واقعیت و در فرهنگ مردم به این می گویند انقلاب! همین یکی دوماه پیش بود که نعره میکشید و مردم معترض در خیابانها را "محارب" می خوانند و برای زهر چشم گرفتن، از جمله محمدرضا علی زمانی و آرش رحمانی پور را دار زد و تهدید به اعدام مخالفین را چون شمشیر

میچرخاند و بالای سر مردم میگرفت! هنوز هم چندین نفر از دستگیر شدگان تظاهرات حکم اعدام که توسط همین جانور و ایادیش صادر شده بالای سرشان است. اکنون حکایت از این است که این جناب فهمیده است که این جنایات هم افاقه نکرده است و نمیکند. اسلام عزیز و حکومت خونریز در کمینگاه روشن افتاده اند، یعنی در روز روشن و درمقابل چشم همه جهانیان این حکومت در کمین مردم افتاده است! آیت الله دارد از منبر روزنامه رسالت خطاب به دولت و احمدی نژاد می گوید! این وصف حال جمهوری اسلامی است. اسمش را گذاشته است "نفاق سبز"؛ تا نگوید موج خروشان انقلاب! دارد هشدار میدهد که این دیگر آخر خط است. حقیقت واضح است. اعتراضی که از درون و اعماق جامعه می جوشد خواهان زیر و رو کردن این بساط بردگی است، نه تنها علیه فقر و فلاکت بیماندی است که جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرده است، بلکه خواهان برچیده شدن بساط حکومتی است که با نفس مدنییت و انسانیت دشمنی ریشه ای دارد! این آتش که دیگر در زیر خاکستر هم نیست دارد همه جا را شعله ور میکند. می گوید جامعه معترض را نتوانسته ایم مرعوب کنیم! مردم جوابمان را با توپ، تانک، فشفشه دیگر اثر ندارد داده اند! اگر اصل قضیه اینها نیست پس او دارد به کدام اعتراضات اشاره میکند؟ امام راحل که گفت: "ملت برای خربزه انقلاب نکرده است!" پس "اعتراض صنفی و اقتصادی" چه صیغه ای است؟! مگر وزیر رفاه میلیاردر با نبوغ خدادادیش نگفته بود که خط فقری در کار نیست، اینها کار اجانب است؟! مگر همین دیروز خامنه ای نگفت که کارگران با چپی ها نرفتند و پشت رژیم ایستادند؟! پس این تب و لرز برای چیست؟! وانگهی اصلاً چرا کمینگاه روشن؟! لاریجانی از فرط فشار هرچه را که نباید بگوید گفته است! مخاطب او در سرمقاله رسالت، دولت است، به آنها نق میزنند و هشدار میدهد! این "کمینگاه روشن"، حقیقی ترین و صریح ترین توصیف وضعیت حکومت از زبان خود جمهوری اسلامی است!



منافع "ملی" هروقت حکم کند میتوان به دیگران حمله کرد و مردمی را که با این سرود آماده مردن برای ایران شده اند و حاضرند جانشان را فدای آن کنند، بعنوان گوشت دم توپ مورد استفاده قرار داد. این سرود تاریخی دارد که تاریخ مردم نیست، این سرود همان شاهان و حکومت ها و تجاوزگرانی است که بوی از انسانیت نبرده اند. سرود مردم ایران نه باید ناسیونالیستی باشد نه کوچکترین رد پائی از خدا و مذهب در آن باشد. انسانهای شریف و خوش ذوق حتما سرودهای مناسبی که چهره حکومت انسانی بعدی را نشان دهد به دولت آتی و به مردم پیشنهاد میکنند و چه بسا بتوان در یک رفراوند عمومی و یا به شکلی که دخالت طیف هرچه وسیعتری از مردم یا نمایندگان آنها را تامین کند، آنرا از میان سرودهای مختلف انتخاب کرد.

و بالاخره پرسیده اند:

پرچم سه رنگ بدون خرچنگ وسط آن چی؟ (منظورشان پرچم سه رنگ بدون الله حکومت اسلامی است)

دوست عزیز این پرچم با خرچنگ و بی خرچنگ با همین تاریخی که توضیح دادم عجین شده است و بخش جدائی ناپذیر آن است. پرچم مدافعین همان ناسیونالیسم و جنبش ناسیونالیستی است. نه این تاریخ افتخاری دارد نه این جنبش ربطی به کوچکترین حق مردم داشته است. چرا باید پرچمش را حفظ کرد. مردم هم، هیچ بخشی از مردم، در انتخاب این سرود و این پرچم نقشی نداشته اند که تعصبی روی آن داشته باشند. از این سرودها و این پرچم ها فقط خون مباراد. پرچم هیچ عبادانه ای نبوده است و مهر هیچ بشردوستی ای بر آن نیست. پرچم را هم میتوان در حکومت بعدی طی یک رفراوند عمومی انتخاب کرد.

از این حقوق که حداقلی از حقوق مردم است دفاع کند آنوقت از او تقاضا میکنم خودش را با این مطالبات معرفی کند نه با خاک پرستی و وطن پرستی. و در تاریخ گذشته و حال ایران بدون تعصب و پیشداوری نگاه کند ببیند این خواستها با برنامه و مبارزه کدام حزب سیاسی جوش خورده است. امیدوارم با این توضیحات معنی واقعی وطن پرستی و ایران دوستی ناسیونالیستها و بی وطنی کمونیست ها روشن باشد. در نوشته های بعدی این بی وطنی را بیشتر خواهم شکافت.

ایشان همچنین از حزب پرسیده اند:

"نظرتان درباره سرود ملی ایران چیست؟ آیا موافقید که سرود ای ایران، در آینده بدون جمهوری اسلامی، سرود ملی ایران شود؟"

نخیر دوست عزیز! این يك سرود ناسیونالیستی است که معنی اش را توضیح دادم. سرودی که به نور آیزدی هم آغشته شده تا احساسات مذهبی را هم پشت سر خود به حرکت درآورد بدر مردم نمیخورد. يك کلمه از مردم، از حق مردم، از آزادی مردم، از يك آرمان انسانی در آن نیست. این سرود قشر حاکم است برای فریب اکثریت محروم. برای تراشیدن يك منفعت مشترك و کاذب بین استثمار کنندگان میلیاردر و نود درصد مردم محروم. برای تراشیدن هویت مشترك کاذب برای نیروهای مسلح همیشه سرکوبگر و حافظ نظم و مردم مخالف این نظم. برای ایجاد بیشترین تفرقه میان مردمی که با زبانهای مختلف تکلم میکنند، برای دشمن تراشی کاذب در میان مردم، برای توجیه هر جنگ ارتجاعی و سربازگیری از طبقات پائین جامعه، برای توجیه سیاست اتمی. خاک پاك، همانطور که خون پاك، يك اصطلاح فاشیستی است. خاک پرگهر ایران و مرز پرگهر ایران هم همینطور. این سرودی فاشیستی است. خاک ایران پاك است و خاک کشورهای دیگر ناپاك؛ مرز ایران پرگهر است و مرزهای دیگران قدوسیتهی ندارد؛ و

بگیرند و این تاریخ پرافتخارا را به روی مبارک خود نیاورند. اما هرچه بیشتر به اعماق تاریخ و گذشته های دورتر میروند این کارنامه فبیع تر و سیاه تر است.

اشتباه نشود که وطن پرستی اینها معنی اش این نیست که در جنگی که راه می اندازند حاضر شوند پیشقدم رفتن به جبهه شوند. سربازگیری اینها در کارخانه و میان مردم زحمتکش و جوانان بیکار است. فکر نکنید سیل و زلزله که میاید ککشان میگذرد برعکس نظامی که اینها از آن دفاع میکنند اجناس را با استفاده از فرصتی که این بلایا ایجاد میکنند، با قیمت دو برابر به مردم میفروشند. وطن یعنی کیسه پول، یعنی سود. بجای وطن سود و سودآوری و منفعت اقلیت حاکم را بگذارید تا معنی واقعی وطن پرستی و ایران دوستی و عشق به میهن را در میان ناسیونالیست ها ببینید. این کنه وطن پرستی است. و البته مختص ایران نیست در همه جای دنیا ناسیونالیسم و وطن پرستی ابزار خاک پاشیدن به چشم مردم، ابزار محدود کردن آزادی مردم و ابزار تحمیل و شکاف و از دیگران فداکاری خواستن است تا وطن سودآور برای آنها حفظ شود. حتی بهای وطن پرستی شان را هم دیگران میپردازند.

يك کلمه باید به ناسیونالیست ها و وطن پرستان عزیز گفت. این تاریخ سراپا خون و جنایت، این تاریخ سراپا محرومیت نسل اندر نسل مردم زحمتکش و حقوق بشر کوروش، پیشکش شما! برای نسل امروز منشور حقوق بشرتان چیست؟ آیا حاضرید از آزادی بی قید و شرط سیاسی، از حق بی قید و شرط اعتصاب و تشکل، از لغو مجازات اعدام، از لغو شکنجه و زندانی کردن مردم به جرم عقیده، از برابری بی قید و شرط زن و مرد، از بیمه بیکاری مکنی برای افراد بیکار و آماده به کار، از جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش و حق بی برو برگرد مردم در نقد و دست انداختن مقدسات مذهبی و ناسیونالیستی بدون اینکه فردا از کارشان اخراجشان کنند و ساواک یا وزارت اطلاعات سر به نیستشان کند، دفاع کنید؟ اگر واقعا ناسیونالیستی پیدا شود که

گذری در اینترنت

پاسخی به کامنت های اینترنتی در مورد کمونیسم و حزب

اصغر کریمی

وطن و وطن پرستی

"هنوز زوده راجع به مواضع کمونیستها نسبت به ایران دوستی نظر بدین. محض اطلاع خوانندگان محترم- کمونیستهای کارگری کلا مخالف ایران دوستی هستند. میهن دوستی و علاقه به ایران را گناه کبیره می دانند."

این یکی از اظهار نظرات يك ناسیونالیست ایرانی در عکس العمل به یکی از مطالب رهبری حزب در سایتها است. وطن دوستی، ایران دوستی، افتخارات گذشته، هنر نزد ایرانیان است و بس و سرود ای ایران ای خاک پرگهر و خاک پاکي که سرچشمه هنر است و القاب دیگری شبیه به این، ورد زبان ناسیونالیست های ایرانی است. کافی است شما بگوئید طرفدار برابری هستید یا حق تشکل و اعتصاب حق بدهی کارگر است تا یکی از این القاب را مقابل شما بگذارند و بگویند شما وطن پرست نیستید و افشاگری کنند و گرد و خاک راه بیندازند. کمتر به يك ناسیونالیست برمیخورید که يك صدم چنین احساسی و اصلا احساسی نسبت به حقوق کودک داشته باشد و جانی از این حقوق دفاع کند یا حقوق کارگر و یا آزادی های بی قید و شرط سیاسی. فکر و ذکر ناسیونالیست ها وطن است و مرز و خاک و افتخارات باستانی. هر حزب سیاسی و هر شخصیت سیاسی هویتی دارد، و این القاب هم هویت ناسیونالیست ها است. اینها را میگویند که از حقوق مردم چیزی نگویند. اینکه يك سرمایه دار خیلی وطن پرست! تصمیم میگیرد کارخانه اش را ببندد و چند هزار کارگر "هموطن" را به خاک سیاه بنشانند، خم به ابروی ناسیونالیست ها نمی آورد. اینکه دولت موظف است تا

پیدا کردن کار برای میلیونها کارگر بیکار یا میلیونها جوان آماده به کار "ایرانی" بیمه بیکاری مکنی بپردازد را هیچگاه از زبان ناسیونالیستها، شخصیت های ناسیونالیست، احزاب و گروههای ناسیونالیست، رسانه های ناسیونالیست و غیره نمیشنوید. چون منفعتی برای سرمایه دار وطن پرست! ندارد. نخیر، اینها وطن پرستند، اینها عاشق خاک پرگهر ایرانند که از هر نقطه آن زر و گوهر میبارد! اما بیکار اعتراض ندارند به اینکه چرا این خاک پرگهر صد متر مربعش حق همه نیست که مسکن مناسبی در آن داشته باشند. این معنی واقعی وطن پرستی است. با این حساب باید روشن باشد که چرا کمونیست ها وطن پرست نیستند و نه تنها کمونیست ها بلکه مدافعین واقعی حقوق هیچ بخشی از مردم، وطن پرست نیستند، آزادی پرست و رفاه پرست و برابری پرست هستند، رفاه و آزادی و خوشبختی مردم، یعنی ساکنین این "وطن" است که برایشان مقدس است، انساندوستی و انسانیت است که چراغ راهنمای آنها است و ناسیونالیست ها برعکس طرفدار ایران بزرگ، و مرز پرگهر و تاریخ پرافتخاری هستند که همیشه مردم کارگر و زحمتکش در آن استثمار شده اند و حاکمان پوست از سرشان کنده اند. مدافع نظامی که بر پایه بیحقوقی و فقر و محرومیت اکثریت عظیم "هموطنان" بنا شده است. معلوم نیست چرا کارگری که يك وجب این خاک گهریار! را ندارد، باید هر لحظه آماده باشد جانش را فدای آن کند!

اما تاریخ پرافتخار ۲۵۰۰ ساله و حقوق بشر کوروش! خود نشانه ای از ناتوانی در دفاع از تاریخ شاهان اخیر و چند صد سال اخیر و وضعیت حقوق بشر در عصر صفویه و قاجاریه و پهلوی است. به کوروش روی میاورند و از حقوق بشرش میگویند که در مورد چند صد سال اخیر که شاه پس از شاه و وزیر پس از وزیر دمار از روزگار مردم درآورده اند، خفقان

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

انقلاب چپ تر ... از صفحه ۱

محسن ابراهیمی



مردم بود. جمهوری اسلامی در این تلاش هم از همان اول شکست خورد. مردم میدانستند که تصویر حکومت از تظاهرات خود جوش امت میلیونی پوچ و بی پایه است. تصویر فضایی گوگل از میدان آزادی تردیدی برای مردم باقی نگذاشت که علیرغم یک حکومت نظامی تمام عیار و علیرغم یک بسیج همه جانبه، حکومت اسلامی یک میدان آزادی تحویل گرفته بود که نیمش خالی و نیم دیگرش نمایش مضحک و بیروچی بود با شرکت پاسداران شخصی پوش، بسیجیان همیشه در صحنه، اقوام دور و نزدیک به نان و نوا رسیده هزار فامیل اسلامی و نوجوانانی که یک روز ولو شدن در چمنهای میدان آزادی همراه با ساندویچ و ساندیس را به زندگی تکراری ترجیح داده بودند. ۲۲ بهمن که قرار بود در کشمکش میان انقلاب مردم و ضدانقلاب اسلامی سرنوشت ساز باشد، واقعا هم سرنوشت ساز شد! سرنوشت تیره تری در چشم انداز حکومت اسلامی قرار داد.

با تظاهرات فرمایشی ۲۲ بهمن، مردم بیشتر پی بردند که جمهوری اسلامی ضعیف است، منزوی است، منفور است، و آنچنان در مانده است که برای قوت قلب گرفتن حاضر است خود و صفوف خود را با روایتها و تصاویر دروغ مشغول کند. رجزخوانیهای مربوط به امت میلیونی در میدان آزادی مردم را ترساند و ناامید نکرد چون این مردم قبلا خودشان خیابانها را با حضور میلیونی و فریادهای مرگ بر دیکتاتور لرزانده بودند؛ شخصا در باریکادهای ۶ دی (روز عاشورا) جنگیده بودند و یک نیروی سرکوب تا دندان مسلح وحشی را به زانو در آورده بودند. چنین مردمی را نمیشد با کفن پوشان کرایه ای و نمایشی میدان آزادی قانع کرد که انقلابشان تمام شده است؟ نخیر، مردم میدانستند مجدداً به باریکادهایشان باز خواهند گشت، این بار قوی تر، رادیکالتر، مصمم تر و البته مجرب تر و آماده تر.

اول مه ۸۹، کاسه کوزه رجزخوانیهای رژیم در باره ۲۲ بهمن را به هم ریخت. معلوم شد که آرامش میان ۲۲ بهمن تا ۱۱ اردیبهشت

(اول مه)، علامتی از شکست انقلاب نبوده است؛ آرامش پیش از طوفان بوده است. اول مه نشان داد که انقلاب نه تنها ادامه دارد بلکه دارد رادیکالتر میشود. دارد چپ تر میشود.

انقلاب ادامه دارد

اول مه ۸۹، کاسه کوزه رجزخوانیهای رژیم در باره ۲۲ بهمن را به هم ریخت. معلوم شد که "آرامش و ثبات" ادعایی رژیم در بعد از ۲۲ بهمن نه آرامش بوده است و نه ثبات و نه علامتی از شکست انقلاب. معلوم شد که طوفان انقلاب از حرکت باز نایستاده است. اول مه گواه زنده ای بر این حقیقت بود که انقلاب نه تنها ادامه دارد بلکه دارد رادیکالتر میشود. دارد چپ تر میشود.

اول مه، بازگشت، یا بهتر است بگویم ادامه انقلاب مردم با حضور چشمگیر طبقه کارگر بود. اول مه ثابت کرد که انقلاب در ۲۲ بهمن از توحش عنان گسیخته اسلامی زخم برداشته بود اما شکست نخورده بود. نشان داد که انقلاب قصد باز ایستادن ندارد. انقلاب ادامه دارد به این دلیل ساده که مردم انقلاب را به مشابه تفریح سیاسی انتخاب نکرده بودند که با مشاهده توحش بی حد و حصر جمهوری اسلامی از خیرش بگذرند.

مردم مجبور بوده اند و مجبور هستند و مجبور خواهند بود علیه حکومت اسلامی انقلاب کنند. اگر میخواهند رها شوند راهی جز این ندارند. اگر میخواهند اراده و اختیار انسانیت را به زندگی بازگردانند راهی جز سرنگون کردن این ارتجاع قرون وسطایی توسط یک انقلاب تمام عیار ندارند. مردم جان به لب رسیده، در مقابل توحش اسلامی سنگرمی بندند، کارگران خود را جزوی مهم از این انقلاب میدانند چون جز زنجیرهای اسارت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی هیچ چیز ندارند که از دست بدهند. مردم مجبورند در مقابل این حکومت به انقلاب دست ببرند چون حکومت اسلامی اصلاح پذیر نیست.

چون حتی "اهلی" ترین جناح این حکومت هم، هیچ چیزی نیست جز ابزار ارتجاع و عقب ماندگی و خرافات و فساد و شیادی و چپاول.

انقلاب ادامه خواهد داشت چون مردم ذره ای تومم به لفاظیهای هیچ جناحی از این حکومت ندارند. مجدداً باید تاکید کرد که اول مه گواه زنده این حقیقت بود که ادعای رژیم مبنی بر شکست انقلاب در ۲۲ بهمن پوچ و بی پایه بود. با اول مه قدرتمند امسال، معلوم شد که انقلاب مردم از حرکت باز نایستاده بود. این انقلاب داشت نفس تازه میکرد تا گامهای جدیدی بردارد. در انتظار فرصتی نشسته بود تا جیش تازه ای کند. در اول مه، انقلاب مردم مجدداً به خیابان آمد این بار با حضور و قدرت نمایی طبقه کارگر.

انقلاب چپ تر میشود

در یکسال گذشته، انقلاب مردم از جبهه های متنوعی مورد تهاجم قرار گرفت. از یکطرف جناح حاکم، همه ظرفیت سرکوبگریش را به میدان آورد تا انقلاب را از روبرو در هم بکوبد که نتوانست؛ از طرف دیگر، جناح مغضوب همه ظرفیت خود را بکار گرفت تا انقلاب را از درون تهی کند، عزم مردم برای تغییرات بنیادی را در چهارچوب قانون اساسی خفه کند، به حرکتی برای بازگشت به دوران امام خمینی تبدیل کند که البته باز هم نتوانست. (مردم با شعار "موسوی بهانه است، کل رژیم نشانه است" پاسخ درخوری به این تلاش وقیحانه دادند). اینها دو جبهه جدی در مقابل انقلاب مردم علیه کلیت نظام اسلامی بودند که به هردی زنده اما نتوانستند انقلاب را به زانو در بیاورند.

اما در کنار مقابله با انقلاب به طور کلی، یک امر دائمی همه نیروهای متعلق به طبقه سرمایه دار - چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون - این بوده است و خواهد بود که کارگران به عنوان یک طبقه متشکل در جنبش انقلابی حضور نداشته باشند چه رسد به اینکه پیشاپیش این جنبش و در رهبری اش باشند. از نقطه نظر هر دو جناح حکومت اسلامی، جناح حاکم و جناح مغضوب؛ همچنین از نقطه نظر اپوزیسیون حافظ نظام خارج از حکومت، از ملی اسلامپها گرفته تا جمهوریخواهان و مشروطه خواهان هراسان از انقلاب، حضور سیاسی و متشکل کارگر در انقلاب جاری سم است، خطرناک است. این اپوزیسیون، در بهترین حالت حضور طبقه کارگر را به عنوان زائده ای برای دست بستن شدن قدرت در بالا میان احزاب و

نیروهای بورژوازی تحمل میکند. روشنفکران و ادبا و پروفیسورهای سرمایه داری، که شغلشان دور نگه داشتن طبقه کارگر از دخالت در سرنوشت جامعه با توسل به حقه بازیهای تحت عنوان جامعه مدنی و مسامحه و مدارا و عدم خشونت و آزادی فردی و غیره هست، خوشحال بودند که گویا تاکنون در انقلاب جاری، طبقه کارگر به مثابه یک طبقه متشکل ظاهر نشده است. گویا توانسته اند با لفاظی در باره "جامعه مدنی" سر کارگر را کلا بگذرانند. در یک کلام، حضور پر قدرت و متشکل و آگاه طبقه کارگر در پیشاپیش انقلاب جاری بزرگترین کابوس سیاسی همه احزاب و شخصیتهای طبقه سرمایه دار، چه در حاکمیت چه در اپوزیسیون بوده است. در آستانه اول مه ۸۹، همه این طیف به هر چیزی آویزان شدند تا اول مه نقطه عروج چنین کابوسی نباشد.

اظهارات چاپلوسانه و هراسان سران حکومت اسلامی - هم جناح حاکم و هم جناح مغضوب - قدمهای اول در این راه بود. خامنه ای، این پدر خوانده هزار فامیل اسلامی، شیادی که فرد اول شرکت سهامی چپاول و غارت دسترنج کارگران است، به تکرار چرندیات اسلام در قبال کارگران متوسل شد: "اسلام کارگر را یک مجاهد فی سبیل الله میداند و برای کار و تلاش او هم ارزش و پاداش الهی قائل است." سران جناح مغضوب، عزت و کرامت کارگر را یاد آور شدند و ابلهانه سعی کردند کارگر عزت و کرامت خود را در قانون اساسی اسلامی جستجو کنند. کارگران، در قطعنامه ده تشکل کارگری پاسخ کوبنده ای به این اراجیف دادند. در مقابل این چاپلوسیهای مضحک، اعلام کردند که نخیر کارگر مجاهد فی سبیل الله نیست و پاداش الهی نمیکشود. کارگر مبارز راه عدالت است و رفاه و سعادت و خوشبختی و آزادی برای همه جامعه میخواهد. اعلام کردند که "پاداش الهی" پیشکش آیت الله های میلیاردر، پیشکش وزیر رفاه! ۱۶۰ میلیارد تومانی. کارگر نه در راه خدا و به خاطر خدا بلکه به خاطر دنیای بهتر تلاش میکند. اعلام کردند که روز کارگر به خدا و پیغمبر و امام ربطی ندارد، "روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و

نابرابری است". اعلام کردند که روز کارگر روزی است که کارگران "خیابانها را به تسخیر خود در می آورند." اعلام کردند که روز کارگر روزی است برای "اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است." اعلام کردند که روز کارگر روز مبارزه برای "رهائی از ستم و استثمار و برپائی دنیائی بهتر" است. قطعنامه امسال کارگران، اعلام وجود طبقه کارگر به عنوان نماینده رهایی کل جامعه بود.

علیرغم یک حکومت نظامی تمام عیار، علیرغم تلاشهای مذبحخانه "سبزه ای" خانه کارگر برای قالب کردن شعار "یا حسین میرحسین"، علیرغم همه اینها، کارگران در همه شهرهای بزرگ به خیابان ریختند و فریاد زدند: "آزادی، عدالت حق مسلم ماست." فریاد زدند: "مرگ بر دیکتاتور." فریاد زدند: "اتحاد اتحاد، کارگران اتحاد." فریاد زدند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم." بدین ترتیب، کارگران، محتوای قطعنامه رادیکالشان را در خیابانها هم فریاد زدند.

در اول مه ۸۹، نك قله یخ نمایان شد. اتفاقی که هراس در دل کل طبقه بورژوازی کاشت و امید و شور در صف انقلاب مردم برانگیخت. *

در حاشیه: در کنار جناحهای حکومتی و اپوزیسیون حافظ نظام، اول مه امسال، کاسه کوزه فرقه هیروتی کورش مدرسی را هم بر هم ریخت. اینها یکسال تمام به جنبش شور انگیز مردم دهن کجی کرده بودند، آنرا شورش جوانان مرفه شمال شهر خوانده بودند، گفته بودند این انقلاب نیست، کارگر در آن شرکت ندارد و نباید شرکت کند، برایش آیه یاس خوانده بودند، خطاب به کارگران گفته بودند در خانه بمانند، تبلیغ کرده بودند که کارگر در کشمکش دو جناح ضد کارگر در خدمت این یا آن جناح است و در این افکار مالیخولیایی آنقدر پیش رفته بودند که خطاب به کارگری که برای سرنگونی رژیم قدم به خیابان گذاشته بود گفته بودند "حق است برود و فدا شود." اول مه ۸۹، با آن قطعنامه رادیکال و با آن حضور قدرتمند کارگر در خیابان، این فرقه و این افکار هیروتی را به سطل اشکال روانه کرد. *

زنده باد سوسیالیسم!

دستگیر شدگان اول مه ...

از صفحه ۱

مردم و اوپاش جمهوری اسلامی تبدیل کرد. گفته میشود در این اول مه رژیم اسلامی تعدادی نزدیک به ۴۵ نفر را در تهران و ۴ نفر را در سنجند دستگیر کرده است. تعداد اندکی از دستگیر شدگان آزاد شده اند. اما باقی آنها همچنان در زندانند. مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان یعنی دفاع از حق برپایی اول مه. مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اول مه یعنی پای فشردن بر قطعنامه و خواستههایی که در اول مه فریاد زدیم و برای آن به خیابانها آمدیم. مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اول مه بدنبال حرکت و جنب و جوش مهمی که در این روز شاهدش بودیم، تثبیت دستاوردهایی است که در این روز مهم بدست آورده ایم. اول مه امسال روزی مهم از روزهای انقلابمان بود. نشانی از وارد شدن کارگران به عرصه سیاست و نمایندگی کردن خواستههای کل جامعه بود. در این روز در برابر راه حل های سازشکارانه و راست، آلترناتیو کارگران با خواستههای انسانی در



شهرلا دانشفر

جلوی صحنه قرار گرفت و این را به روشنی در قطعنامه ده تشکل کارگری به مناسبت اول مه دیدیم. قطعنامه ای که سرمایه داری را ریشه کل این فقر و فلاکت و مصایب جامعه اعلام کرد و بر خواستههای فوری همین امروز کارگران که خواستههای کل جامعه را نمایندگی میکرد تاکید گذاشت. قطعنامه ای که با استقبال بخش های دیگر جامعه روبرو شد و از جمله بخشهای دیگر کارگری مثل شورای موقت کارگران پتروشیمی و جمعی از کارگران ایران خودرو و جمعی از دانشجویان آزادیخواه و جمعی از معلمان تحت عنوان کانون معلمان آزادیخواه روبرو شد. این اول مه به این لحاظ یک نقطه عطف در انقلاب ما و در تعیین یافتن خواستههای جامعه بود. وحشت و هراس رژیم از این اول مه، مجیزگویی هایشان و تبریک این

روز از سوی کسانی چون موسوی و کردبی تحت این عنوان که راه حل بازگشت به قانون اساسی جمهوری اسلامی است و انعکاس جهانی همه این اتفاقات آنهم در روزی که جهانی است و توجه ها را بخود جلب میکند، به این اول مه ابعاد اجتماعی داد. و بیش از پیش قدرت طبقه کارگر را به عنوان طبقه رهایی بخش جامعه به نمایش گذاشت. با مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اول مه همه این دستاوردها را پاس بداریم. با تمام قدرت برای آزادی دستگیر شدگان اول مه تلاش کنیم. تجمعات برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در سنجند و در تهران از همان روز اول دستگیری در جریان است. با تمام قدرت به این تجمعات پیوندیم. اعلام کنیم که ما خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه و همه زندانیان سیاسی از زندان هستیم. در سنجند فواد کیخسروی و صدیق کریمی دو تن از رهبران سرشناس کارگری و محبوب در میان مردم دستگیر شدند. به گزارش سایت اتحاد (اتحادیه آزاد کارگران ایران) این دو کارگر بعد از ظهر روز ۱۵ اردیبهشت از ستاد خبری وزارت اطلاعات به زندان

مرکزی شهر سنجند منتقل شدند و در ادامه اعتراضات فشرده و تجمعات خانواده ها و اعضای اتحادیه آزاد کارگران در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنجند، صدیق کریمی ظهر روز ۱۶ اردیبهشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومان از زندان آزاد شد. قبلاً نیز فواد شبکه فر و امجد آذری نیوفر که آنها نیز در اول مه در سنجند دستگیر شده بودند، از زندان آزاد شدند. بنا بر خبر سایت اتحاد به فواد کیخسروی گفته شده بود با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی می تواند آزاد شود، اما فواد کیخسروی با رد سپردن قرار وثیقه در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت اش دست به اعتصاب غذا زده است. باید از خواست او و آزادی بدن قید و شرط آنان از زندان حمایت کنیم و با برپایی تجمعات گسترده در مقابل زندان اوین آنها را از چنگ جنایتکاران رژیم رها کنیم.

تا آزادی فواد کیخسروی از زندان پیگیری و تجمعات اعتراضی برای آزادی وی ادامه خواهد داشت. باید وسیعاً به این تجمعات پیوست. و مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اول مه و همه زندانیان سیاسی را به

کارزاری جهانی تبدیل کرد. در تهران تجمعات خانواده های دستگیر شده در اول مه به همراه خانواده های دیگر زندانیان سیاسی در مقابل اوین برقرار است. باید از این تجمعات وسیعاً حمایت کرد. تجمعات خانواده های زندانیان سیاسی تا هم اکنون نقش مهمی در رها کردن بسیاری از زندانیان سیاسی از زندان و به شکست کشاندن پروژه هایی چون، بازداشتگاه کهریزک داشته است. باید این تجمعات را با قدرت بیشتری به جلو برد و با نیروی وسیع اجتماعی برای آزادی زندانیان سیاسی از زندان، برای آزادی منصوراسانلو، ابراهیم مددی، علی نجاتی، فرزاد کمانگر، علیرضا قنبری و همه معلمان و دانشجویان و انسانیهای آزادیخواه دریند تلاش کنیم. باید زندان این ابزار سرکوب جامعه که امروز بیش از هر وقت بعنوان مانعی در برابر پیشروی انقلاب ما قرار گرفته است را از دست این رژیم بیرون کشیم. جمهوری اسلامی بدون زندان، بدون اعدام جمهوری اسلامی نیست. باید با گرفتن این ابزارهای جنایت و سرکوب از دست این رژیم بساط جمهوری اسلامی را جمع کنیم.*

اخباری از اعتراضات کارگران

اعتصاب کارگران کیان تابر

بنا به گزارش سایت اتحاد (اتحادیه آزاد کارگران ایران) در تداوم کشمکش کارگران کیان تابر با سرمایه گذار و مدیریت جدید این کارخانه، روز ۱۵ اردیبهشت کارگران کیان تابر ضمن تداوم اعتصاب خود در مقابل ساختمان اداری در محل کارخانه دست به تجمع زده و خواهان دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند.

بدنبال این تجمع مسئولین کارخانه با اعلام اینکه پولی ندارند از کارگران خواستند بدون دریافت دستمزد فروردین ماه و طلب های باقی مانده خود از بهمن و اسفند سال گذشته آغاز بکار نمایند. این امر با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. کارگران اعلام کردند اگر پولی ندارند چرا کارخانه را تحویل گرفته و در آن سرمایه گذاری کرده اید.

در ادامه این کشمکش با مقاومت متحده کارگران مدیریت کارخانه اعلام کرد همین امروز ۲۰۰ هزار

تومان از دستمزد فروردین کارگران را به حساب آنان خواهد ریخت و ۲۰۰ هزار تومان دیگر را تا ۲۵ اردیبهشت پرداخت خواهد کرد و باقی مانده مطالبات کارگران از فروردین امسال و طلب های باقی مانده کارگران از بهمن و اسفند سال گذشته را تا آخر خرداد تسویه خواهد کرد و پس از آن هر ماهه قسمتی از ۵ ماه دستمزد معوقه این کارگران از سال ۸۷ را همراه با دستمزد ماهیانه کارگران به آنان پرداخت خواهد کرد.

کارگران که اعتمادی به قول و وعده های شفاهی کارفرمایان ندارند، خواستار این شدند که مدیریت این وعده ها را بصورت ابلاغیه کتبی بر تابلوی اعلانات کارخانه اعلام نماید. این خواست مورد قبول مدیریت کارخانه قرار گرفت و در همین روز مفاد توافقات بصورت ابلاغیه بر تابلوی اعلانات کارخانه نصب شد و دوپست هزار تومان به حساب کارگران واریز شد. بنا به همین گزارش بخش هایی از کارگران از این توافقات

ناراضی بوده و خواهان پرداخت فوری تمامی طلبهایشان هستند. قرار بر این شد که کارگران فوراً مجمع عمومی بگیرند و در مورد ادامه اعتصاب و توافقات خود تصمیم متحلی بگیرند.

کارگران چینی البرز خواهان

لغو انحلال کارخانه شدند

روز ۱۴ اردیبهشت کارگران چینی البرز در اعتراض به ۷ ماه دستمزد پرداخت نشده خود و اعلام انحلال کارخانه از سوی مدیریت در مقابل دفتر سهامدار عمده چینی البرز تجمع کردند. پیش از ظهر این روز گروهی از کارگران چینی البرز قزوین با مراجعه به دفتر شرکت چینی مقصود در حوالی پارک ساعی تهران، خواستار لغو انحلال کارخانه چینی البرز و دریافت مطالبات معوقه خود شدند. به گفته کارگران، در پی واگذاری کارخانه چینی البرز به بخش خصوصی، شرکت چینی مقصود ۵۰ درصد از سهام این کارخانه را خرید.

تجمع کنندگان که پلاکاردهایی با موضوعاتی چون اعتراض به عدم

پرداخت مطالبات و انحلال کارخانه در دست داشتند؛ اعلام کردند: پس از واگذاری، مالکان جدید با اعتبار کارخانه تا سقف هزار میلیارد تومان درخواست تسهیلات بانکی کردند که تاکنون ۶۰۰ میلیون تومان به آنها پرداخت شده است.

کارگران چینی البرز می گویند: این پول به جای آنکه در چینی البرز سرمایه گذاری شود به نام پروژه های دیگری که به ظاهر در شهرستانهایی چون همدان قرار دارد؛ هزینه شده است. بنا به گزارش دربی این تجمع، درهای ساختمانی که دفتر کارخانه چینی مقصود در آنجا قرار داشت به روی کارگران چینی البرز بسته شد و مسولان آن از پاسخگویی خودداری کردند. کارگران چینی البرز روز اول مه نیز همراه با چندین هزار کارگر در قزوین این روز را گرامیداشتند و خواسته های خود فریاد زدند.

تجمعات اعتراضی کارگران

بازنشسته شرکت واگن پارس

ساعت ۱۱ صبح روز ۱۴ اردیبهشت کارگران بازنشسته شرکت

واگن پارس در اعتراض به حقوقهای معوقه خود برای دومین بار در سال جاری مقابل در ورودی شرکت اجتماع کرده و بر تحقق خواسته های خود تاکید کردند. بنا به گزارش ها هر کدام از این کارگران بیش از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان از شرکت طلب دارند مجموع مطالبات ۶۰۰ کارگر بازنشسته واگن پارس بالغ بر ۶ میلیارد تومان است. تحت فشار کارگران سرانجام مسئولین شرکت از واریز کردن مبلغ ده میلیون تومان از کل مطالبات کارگران خبر دادند. اجتماع قبلی این کارگران در ۸ اردیبهشت در مقابل دفتر احمدی نژاد بود که هیچگونه پاسخی به آنها داده نشده بود. و طبق معمول به آنها وعده پیگیری خواسته های کارگران را داده بودند. کارگران اعلام کرده اند که ۱۰ میلیون تومان هیچ درمانی برای حل مشکلات آنان نیست. و تمامی طلبهایشان را میخواهند. کارگران اولتیماتوم داده اند که اگر تا ده روز دیگر خواسته های آنان پاسخ نگیرد دوباره تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت.

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بدون شما ممکن نیست! کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار کمک مالی برای حزب

کمپین ۲۰۰۰۰۰ دلاری برای تامین کانال جدید

۱۱۶۵۰۰ دلار دیگر باید جمع آوری شود

لیست ۴، ۶ مه ۲۰۱۰

در هفته چهارم کمپین جمع آوری کمک مالی برای تامین هزینه های کانال جدید، دوستانی که نامشان در زیر می آید ۱۶۴۰۰ دلار کمک کردند. دست تک تک این عزیزان را میفشاریم. هدف این کمپین جمع آوری ۲۰۰ هزار دلار در عرض شش هفته است. با احتساب کمک های تاکنونی، برای جمع آوری مبلغ اعلام شده در این کمپین به ۱۱۶۵۰۰ دلار دیگر نیاز هست.

ما همه مردم آزاده، همه مدافعین انقلاب و رهائی از شر حکومت نکبت اسلامی را فرامیخوانیم تا در این کمپین شرکت کنند و کانال جدید، این صدای حقیقت و انسانیت، صدای اعتراض کارگر و مردم زحمتکش، را مورد پشتیبانی مالی قرار دهند.

صابر رحیمی ۵۰۰۰ کرون داروین از آمریکا ۲۰ دلار
بهرام جهانبخش ۲۰۰۰ کرون داوود آرام ۶۶۰ دلار
بهرام کلاه زری ۱۰۰ دلار فریدون البرز ۱۰۰ دلار
سوسن احمدی ۵۰ دلار مسعود فرزانه ۵۰ دلار
آتیلا نیکولان ۶۰ پوند کاترینا پاسپورک ۳۰ پوند
آزاد سنه ۵۰ یورو علی نعمتی ۳۰۰۰ کرون
پری رشیدی ۵۰۰ کرون ناصر خصائی ۱۰۰ کرون

شهرین از آمریکا ۱۰۰ دلار
واحد لیون - فرانسه ۳۰۰ یورو
واحد دالاس - آمریکا ۲۰۰ دلار
محمد تورنتو ماهانه ۱۰ دلار
به یاد زهرا کاظمی ماهانه ۱۰۰ دلار
عطا آلمان ۱۰۰ یورو، ماهانه ۵ یورو
سیامک طهماسب پور ۱۰۰۰۰ کرون
حزب کمونیست کارگری چپ عراق ۳۰۰۰ دلار
از ایران حوزه انترناسیونال ۴۱۰۰ دلار
مهران خورشیدی ۲۰۰۰ کرون
دوستان کانال جدید در مالمو ۸۰۰ کرون
شکیلات حزب در استکهلم ۳۰۰۰۰ کرون

جمع لیست شماره ۴ ۱۶۴۰۰ دلار
جمع لیست شماره ۳ ۲۱۴۹۰ دلار
جمع لیست شماره ۲ ۳۲۶۵۰ دلار
لیست شماره ۱ ۱۲۹۶۰ دلار
جمع لیست های یک تا چهار ۸۳۵۰۰ دلار

مانع ما مساله مالی است و امیدواریم با موفقیت این کمپین بتوانیم این مانع را نیز بر طرف کنیم. از همه شما مردان و زنان مبارز، از همه شما که خواهان نابودی

جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه انسانی، آزاد و مرفه در ایران هستیم میخواستیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید. هر اندازه که خود میتوانید کمک کنید و برای حزب کمک مالی جمع آوری کنید و دیگران را تشویق به این کار کنید. کمک های شما هر اندازه که باشد، کوچک یا بزرگ، گوشه ای از فعالیت حزب خودتان را تامین کرده اید.

کمک ها را به تشکیلات های حزب در شهرهای مختلف برسانید یا به شماره حسابهای زیر واریز کنید و به ما اطلاع دهید. لیست کمک های مالی دریافتی هر هفته اعلام خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آوریل ۲۰۱۰، ۲۰ فروردین ۱۳۸۸

آزادیخواه بوده اید. اینبار هم در شرایط حساس کنونی و برای انجام وظایف خطیری که حزب بعهدہ دارد، روی حمایت مالی شما حساب میکنیم.

در شش ماه آتی حزب با کسر بودجه ای معادل حداقل ۲۰۰ هزار دلار روبرو خواهد بود. بمنظور تامین این مبلغ از ۱۰ آوریل ۲۰۱۰ (۲۱ فروردین ۸۸) کمپین جمع آوری کمک مالی برای حزب شروع میشود که به مدت شش هفته ادامه خواهد داشت. ۲۰۰ هزار دلار حداقل نیازهای حزب را تامین خواهد کرد. ما امیدواریم کمکهای جمع آوری شده در این کمپین از این سطح فراتر برود به نحوی که بتوانیم دامنه پوشش تلویزیون کانال جدید را گسترش بدهیم. ما در نظر داریم بمنظور پوشش بیشتر در ایران و همچنین سهولت دسترسی به کانال جدید در اروپا، علاوه بر نایل سات روی شبکه تله استار نیز برنامه پخش کنیم. تنها

زنان و مردان آزادیخواه!

به منظور تامین ادامه کاری کانال جدید که حدود سه ماه است در شبکه نایل سات به خانه های مردم ایران بازگشته و همچنین تقویت و گسترش پوشش کانال جدید و بازگشت به روزهای درخشان این کانال انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و به منظور تامین فعالیت های گسترده و متنوع حزب کمونیست کارگری، دست یاری به سوی شما دراز میکنیم. انقلاب کنونی برای پیروزی نهایی و قطعی بر جمهوری اسلامی به یک رهبری رادیکال و پیگیر و حاضر در همه عرصه ها نیاز دارد. شکل دادن به این رهبری موضوع تلاش هر روزه این حزب است. تاکنون نیز تکیه گاه اصلی مبارزه بی تخفیف حزب علیه اعدام و سنگسار و حجاب و جهل و خرافه و فقر و بی حقوقی، همواره شما کارگران و مردم شریف و

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود انوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.
آلمان:

Germany Rosa Mai Konto. Nr.: 583657502 Post Bank
Bankleitzahl: 37010050
Dixie Rd, Mississauga 4900, Canada ICRC Scotiabank کانادا
LAW 2R1 Account #: 84392 00269 13
Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248 هلند:
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

G street, Blaine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch آمریکا:
ph: 1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
branch: Wood Green Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779 BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
از ایران: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

Tel: 0046-739318404

دفتر مرکزی حزب

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

اجتماعات گسترده دانشجویان علیه "طرح حجاب و عفاف" در دانشگاه های هنر و تهران



مارش عظیم اول مه در ترکیه

این اولین بار بود که تظاهرات اول مه در ترکیه از حمله پلیس این کشور در امان ماند. البته خبرگزاری رویتر گزارشی به نقل از شبکه های تلویزیونی منتشر کرده است مبنی بر اینکه در ادامه این تجمع رهبر یکی از کنفدراسیون های کارگری که تلاش داشت در محل تجمع سخنرانی کند، با هجوم برخی از تجمع کنندگان روبه رو شد که در پی آن مسئولان امنیتی وی را به ساختمانی در نزدیکی محل تجمع انتقال دادند.

در مراسم امسال روز کارگر در استانبول، رهبران اتحادیه های کارگری با پرتاب میخک های سرخ در محل کشتنندگان قربانیان سال ۱۹۷۷ به آنان ادای احترام کردند و پس از آن نیز گروه های موسیقی در این محل به اجرای برنامه پرداختند.

دولت ترکیه آخرین بار در اول می ۱۹۷۷ در ترکیه اجازه برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در میدان تقسیم شهر استانبول را داده بود که در جریان برگزاری این مراسم مردان مسلح ناشناس با گولباران تجمع کنندگان، ۲۷ تن را کشتند. این حادثه همچنین بیش از یکصد مجروح بر جای گذاشته بود.

از آن پس، همواره مراسم روز جهانی کارگر در استانبول ترکیه، به صورت غیرقانونی برگزار شده است و تنها سال گذشته پس از آنکه حزب حاکم عدالت و توسعه تحت فشار رهبران کارگری روز جهانی کارگر را تعطیل عمومی اعلام کرد، گروه کوچکی از کارگران اجازه یافتند تا در محل کشتار سال ۱۹۷۷ مراسم یادبود برگزار کنند.

بر اساس گزارش خبرگزاری ها نمایندگان از حزب حاکم عدالت و توسعه در مراسمی که امسال در استانبول بر پا شد حضور یافتند

ترکیه: آنکارا
کارگران ترکیه با کارگران ایران اعلام همبستگی کردند
ده ها هزار نفر در تظاهرات اول مه در آنکارا شرکت داشتند.
تظاهرکنندگان پرچم ها و شعارهای مختلفی را حمل می کردند. گروهی نیز تصاویر کارگران زندانی در ایران را حمل می کردند و تصاویر آنها را توزیع می کردند. علاوه پوسترهائی در باره وضعیت کارگران در ایران و متن ترجمه شده قطعنامه مشترک تشکل های کارگری ایران بمناسبت روز جهانی کارگر را توزیع می کردند. در این پوسترها نوشته شده بود که "کارگران سندیکائی و دوستان ایرانی تنها نیستند" در تجمع اول مه آنکارا بخشی از قطعنامه مشترک ده تشکل کارگری در ایران خوانده شد. این تجمع تا ساعت ۱۵ در خیابان های مرکزی آنکارا برپا بود.

ترکیه: استانبول
بیش از یکصد هزار کارگر با تجمع در میدان تقسیم از میادین اصلی شهر استانبول، به گرامیداشت روز کارگر پرداختند. این مراسم برای اولین بار پس از کشتار ده ها تن از تجمع کنندگان روز کارگر توسط مردان مسلح ناشناس در سال ۱۹۷۷ میلادی، با مجوز قانونی برگزار شد.

گزارش های رسیده از استانبول حاکی است که این مراسم تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد. اعضا و هواداران شش اتحادیه و کنفدراسیون کارگری و احزاب سیاسی با در دست داشتن پلاکاردهای منتسب به گروه های سیاسی و شعاری که در حمایت از روز جهانی کارگر این مراسم را برگزار کردند. بنا به گزارشات منتشره بیش از ۲۰ هزار نیروی پلیس بسیج شده بود. بر اساس این گزارشات

بی حقوقی مفرط کارگران و تحمیل زندگی بارها زیر خط فقر به جامعه است. حکومت اسلامی وحشت زده از موقعیت شکننده و آینده بی افق خود می خواهد با تعرض وحشیانه به نیمی از جامعه فضای ترس و وحشت را بر جامعه مستولی کند.

سازمان جوانان کمونیست همه دانشجویان را فرا می خواند تا علیه حجاب و برای آزادی پوشش و منع دخالت دولت و مذهب در زندگی جامعه و برای آزادی و برابری، همگام و متحد به صف مبارزه دانشجویان دانشگاه های هنر و تهران علیه سیاست های حکومت آپارتاید جنسی اسلامی بیپسوندند. جوانان و دانشجویان در ایران نشان داده اند به کمتر از آزادی بی قید و شرط بیان، آزادی پوشش و برابری زن و مرد و جدایی دین از دولت رضایت نمی دهند و سیاست های سرکوبگرانه حکومت ضد انسانی اسلامی نمی تواند در عزم و اراده آنان برای سرنگونی حکومت اسلامی و به دست آوردن مطالبات به حشاشان خلیلی وارد کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد حکومت انسانی سازمان جوانان کمونیست ۱۵ اردیبهشت ۸۹، ۶ می ۲۰۱۰

شکستی دیگر برای حکومت اسلامی در آلمان: کنفرانس جامعه آتلانتیک آلمان که سخنران آن سفیر حکومت جنایتکار اسلامی بود در اثر اعتراضات مخالفین لغو شد

قرون وسطایی قرار داده است. این حکومت تجاوز و جنایت و اعدام باید برود و هر نوع فرس قرمز پهن کردن زیر پای این جانپیان دفاع از جنایتکاران در ایران است و باید شدیداً محکوم شود.

ما به همه سازمانها و افرادی که این شکست مفتضحانه را باعث شدند، درود میفرستیم و اعلام میکنیم که زمین را باید زیر پای این جانپیان داغ کرد. بساط این حکومت را باید در خارج کشور برچید و هر تقلائی مذبوحانه ماسورین این حکومت ضد انسانی را برای بزرگ کردن صورت جنایتکاران اسلامی باید در نطفه خفه کرد.

زنده باد همبستگی بین المللی برای سرنگون کردن حکومت اسلامی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران-آلمان ۳ ماه مه ۲۰۱۰

بدهد ولی دانشجویان قانع نشده و اعلام کرده اند از حقوق خود کوتاه نمی آیند و آزادی پوشش را حق مسلم خود می دانند.

روز دوشنبه نیز دانشجویان دختر و پسر دانشگاه هنر در اعتراض به همین مورد یعنی اجباری کردن مقننه برای دختران تجمع اعتراضی برپا کردند. دانشجویان خواهان آزادی کوتاه شدن دست کتشف حکومت مذهبی از زندگی جامعه هستند و آزادی پوشش را حق خود می دانند.

حضور زنان در صف مقدم مبارزات جاری در ایران، پیشگامی زنان در انقلاب جاری و مبارزات آنان برای خلاصی از شر حکومت اسلامی و خصلت زنانه انقلاب، سران حکومت را از حضور زنان در جامعه و مبارزات جاری بیش از پیش به وحشت انداخته و برای زمینگیر کردن و سرکوب کل مبارزات مردم، تلاش می کند حضور زنان در جامعه و دانشگاه را مورد حمله قرار دهند و محدود کنند.

"طرح حجاب و عفاف" روی دیگر حکومت کهریزک و اوین است، ادامه تیراندازی اوپاش اسلامی به سمت مردم به جان آمده از وحشیگری های دزدان و قاتلان اسلامی حاکم در ایران است، ادامه کشتن ندا و سهراب و اشکان است، ابزار سرکوب جامعه و

با اعلام طرح حجاب و عفاف، و در واقع تلاش رژیم برای مقابله با انقلاب جاری از طریق حمله به زنان و ایجاد رعب و وحشت در جامعه و در دانشگاه ها، دانشجویان علیه سیاست های ضد انسانی حکومت اسلامی برای تحمیل حجاب و جداسازی جنسی اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی کردند.

دیروز سه شنبه صدها تن از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به اجباری کردن مقننه برای دختران و ایجاد ممانعت از ورود دخترانی که مقننه ندارند به دانشگاه تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع که دانشجویان دختر آنرا آغاز کرده بودند و با پیوستن پسران به حدود ۲۰۰۰ نفر می رسید، دانشجویان بر حق آزادی پوشش و آزادی بیان خود تاکید داشتند و اعلام کردند در مقابل این محدودیت ها ایستادگی می کنند و از حقوق خود کوتاه نمی آیند. در تجمع اعتراضی دانشجویان که ۴ ساعت به صورت تحصن و راهپیمایی در دانشگاه ادامه داشت دانشجویان پارچه نوشته ها و اعلامیه های مربوط به قوانین حجاب را پاره کرده و لگد مال کردند. در نهایت رئیس حراست مجبور شد در جمع دانشجویان حاضر شود و به آنان پاسخ

کنفرانس جامعه آتلانتیک آلمان که سخنران آن شیخ عطار سفیر حکومت جنایتکار اسلامی بود در اثر اعتراضات مخالفین لغو شد.

روز چهارشنبه پنجم ماه مه قرار بود علیرضا شیخ عطار سفیر حکومت فاشیست اسلامی در کنار امید نوری پور از حزب سبز آلمان نشسته و در یک میزگرد در برلین در مورد "موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی، سیاست امنیتی آن و موضع آلمان" سخنرانی کنند.

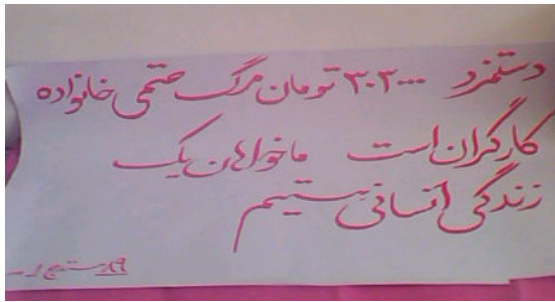
این برنامه به دعوت نهاد "جامعه آتلانتیک آلمان" و با لابیگری امید نوری پور سازمان یافته و قرار بود از حکومت اسلامی چهره یک حکومت عادی را به مردم آلمان نشان دهد.

قبلا هم چنین تقلائی برای برگزاری این کنفرانس در ۲۴ فوریه

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

جنگ و گریز در شهرهای مختلف در اول مه

از صفحه ۱



ایم کارگران لوله سازی اهواز ساعت ۱۱ صبح در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند و به شرایط حاکم بر کارگران و از جمله به بیکارسازی و عدم پرداخت ۱۳ ماه حقوق خود اعتراض کردند. نیروهای سرکوب رژیم از ترس گسترش تجمع و پیوستن مردم به تجمع کارگران، محل را در کنترل خود گرفته بودند و مانع پیوستن مردم به جمعیت میشدند. مقابل استانداری و اطراف این منطقه پر از نیروهای انتظامی و خودروهای انتظامی بود.

اصفهان:

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت در ساعت ۳ عصر در مقابل در ورودی دانشگاه اصفهان دانشجویان و مردم به مناسبت اول مه تجمع کردند. تجمع کنندگان در حمایت از کارگران با شعار "کارگر دانشجو اتحاد اتحاد" تظاهرات خود را آغاز کردند. این تظاهرات به درگیری شدید با نیروهای سرکوب رژیم منجر شد.

دستگرد اصفهان: تعدادی از کارگران و مردم این شهر برای گرامیداشت اول مه در مقابل فرماندار این شهر تجمع کردند که با حمله نیروهای انتظامی مواجه شدند. اوپاش جمهوری اسلامی مورد یورش مردم قرار گرفتند و سه نفر از آنان خلع سلاح شدند. مزدوران رژیم به سمت مردم تیراندازی کردند و چند نفر از مردم را مجروح کردند.

فلاورجان: در این شهر نیز تعدادی از کارگران و مردم به مناسبت اول مه در مقابل اداره کار تجمع کردند. با دخالت نیروهای سرکوبگر و مقاومت مردم، درگیری شدیدی بین مردم و اوپاش رژیم بوجود آمد. مردم دست به مقاومت جانانه زدند. بطوریکه جمهوری اسلامی از فولاد شهر اصفهان نیروی کمکی آورد. در این درگیری چند نفر از مردم زخمی شدند.

خمینی شهر: در خمینی شهر نیز در ساعت ۴ بعدازظهر مردم به مناسبت اول مه دست به تجمع زدند. این تظاهرات به درگیری با نیروهای انتظامی منجر شد و تعدادی از مردم زخمی شدند.

تبریز:

کارگران از ساعت ۱۱ صبح در مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند

دستگیر کردند و سوار ماشین های سرکوب کرده بود. یکی از فعالین حزب در اول صبح گزارش کرد: حدود ۵۰ ماشین نیروی انتظامی در این خیابان مستقر شده است و نیروی شخصی فراوانی در خیابان به چشم میخورد. همه منتظر بعد از ظهر هستند. به گزارش خبرنگار حزب از تهران در ساعت ۵ و ربع بعد ازظهر روز جهانی کارگر و در حالیکه خیابان آزادی و خیابانها و کوچه های مشرف به آن مملو از نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی بود، تعدادی از کارگران و مردم در ابتدای خیابان بهبودی نزدیک به وزارت کار تجمع کرده بودند تا مراسم اول مه را برگزار کنند. طبق این خبر نیروهای سرکوبگر انتظامی و اوپاش لباس شخصی رژیم در سراسر خیابان آزادی از میدان آزادی تا انقلاب و خیابانهای اطراف آن در فواصل نزدیک به هم مستقر شده بودند و مقابل وزارت کار را نیز کاملاً قرق کرده بودند تا مانع شکل گیری اجتماع کارگران و مردم به مناسبت روز جهانی کارگر شوند، با اینهمه مردم موفق شدند اولین تجمع خود را در بهبودی تشکیل دهند. ترافیک سنگینی در مسیر آزادی جریان داشت. خیلی از کارگران و مردم در اتومبیل های شخصی در رفت و آمد بودند تا فرصت مناسب برای تجمع را پیدا کنند. بنا به این گزارش ساعت شش و نیم عصر جمعیت نسبتاً چشمگیری در حوالی پارک دانشجو در چهار راه ولیعصر به چشم میخورند که برای گرامیداشت اول مه به خیابان ها آمده بودند.

شیراز:

طبق گزارشی که به حزب رسیده است کارگران صنایع گوشت فارس همانطور که قبلاً اعلام کرده بودند امروز ۱۱ اردیبهشت مقابل استانداری شیراز تجمع کردند و اول مه را گرامی داشتند. کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: "کارگر روز بیکارت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمیشیم"، "پول نفت سر سفره ها نخواستیم، حداقل نان خالی را از سفره همامان قطع نکنید". کارگران روز سه شنبه هفتم اردیبهشت در اعتراض به اخراجها در مقابل اداره کار و اداره بیمه شهرستان مرودشت تجمع اعتراضی داشتند و بر روی آسفالت نشستند و اعلام کردند که اول مه را مقابل استانداری برگزار خواهند کرد. ابتدا جمع خود کارگران بودند اما به تدریج به جمعیت اضافه شد. و حدوداً دوهزار نفری میشد. اما پخش بودند و نیروی انتظامی همه جا را گرفته بود.

قزوین:

طبق گزارش یکی از فعالین حزب امروز چندین هزار نفر در ورزشگاه "یادگار امام" در قزوین جمع شدند و اول مه را گرامی داشتند. کارگران از کارخانجات مختلف در این تجمع شرکت داشتند و پلاکاردهایی در اعتراض به بیکارسازی ها و عدم پرداخت دستمزدها در دست داشتند.

کارگران چینی البرز با پلاکاردها "ما کارگران البرز هفت ماه حقوق نگرفته ایم" آمده بودند. پلاکاردها دیگر کارگران "اتحاد اتحاد" بود. فضا کاملاً خشم و اعتراض است. و این اعتراض در تجمع امروز موج میزد. یکی از سایت های خبری تعداد تجمع کنندگان اول مه در قزوین را حدود هشت هزار نفر اعلام کرده است.

اهواز:

بنا به گزارشی که دریافت کرده

بود. لباس شخصی ها در تمام شهر و بازارهای شهر بودند. و به چند نفر بیشتر اجازه جمع شدن نمیدادند. با عابرین برخورد میکردند. در چند مورد کارگران به هم ملحق شدند تا تظاهرات را شروع کنند که لباس شخصی ها و پلیس سریعاً به محل میرسیبند و جمعیت را متفرق میکردند. در این کشاکش ها یک نفر در بازار مجاور پاساژ حامی توسط لباس شخصی ها دستگیر شد.

عوامل انتظامی به تعدادی از فعالین که آنها را میشناختند هشدار شدید میدادند. ساعت شش و ده دقیقه همگی در خیابان نمکی جلوی رستوران صدف جمع شدیم و به یکباره پلاکاردها را بلند کردیم. در جلو صف زنان پلاکاردها بدست گرفتند و شروع کردیم به شعار دادن. "زنده باد کارگر، زنده باد روز جهانی کارگر"، "زنده باد اتحاد کارگری" و به طرف سه راه خیابان نمکی برآه اقتادیم. در میان راه لباس شخصی ها وحشیانه همراه با نیروی انتظامی حمله کردند و پلاکاردها را گرفتند و شروع به کتک زدن کردند که کارگران نیز مقاومت کردند. ولی سرانجام جمعیت را پراکنده کردند. حالت جنگ و گریز بود تعقیب میکردند اما کارگران دوباره پلاکاردها را بلند کرده و شعار میدادند. لباس شخصی ها تمام میدان انقلاب خیابان نمکی و فردوسی و آزادی را کاملاً احاطه کرده بودند. به میان مردم آمدند تا افراد را شناسایی کنند. در ضمن در جریان تظاهرات امروز قطعنامه ده تشکل کارگری در مورد اول مه پخش شد. علاوه بر این تجمع، صبح اول مه نیز تجمع و مراسمی در سنندج به صورت گرفت. گزارشگر ما در این مورد میگوید: "امروز صبح در ساعت یازده و نیم جمعی از فعالین کارگری در خیابان نمکی کوچه میوه فروشان سنندج دست به تجمع

و این روز را گرامی داشتند. بیکارسازی و دستمزدهای پرداخت نشده دو موضوع اصلی اعتراض کارگران بود. کارگران تراکتورسازی تبریز و موتوژن از جمله کارگرانی هستند که در معرض بیکارسازی هستند و در این تجمع شرکت داشتند. خودروهایی انتظامی، موتوسواران باتوم بدست و بسیجی ها و لباس شخص ها و اراذل و اوپاش رژیم همه جا پخش بودند اما نتوانستند مانع تجمع کارگران شوند. فضای تجمع بشدت اعتراضی بود. تعداد کارگران و مردمی که موفق شدند در تجمع شرکت کنند به چند صد نفر میرسید. کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند از جمله: "اتحاد اتحاد، کارگران اتحاد". پلاکاردهایی نیز در مورد دستمزدهای پرداخت نشده و بیکارسازی ها در دست کارگران بود. گزارشگر دیگر حزب از تبریز میگوید: در تبریز کارگران اخراجی و بیکاران حدود ساعت ۱۱ تا ساعت ۲ که حدود ۱۰۰ نفر بودند، جلوی اداره کار در خیابان نصف راه تجمع داشته و خواهان کار شدند و اول مه را گرامی داشتند. همینطور در در پارک گلستان این شهر جمعی از کارکنان شهرک صنعتی تبریز بعد از اتمام کار و پیاده شدن از سرویس ها به مناسبت اول مه تجمع کردند و این روز را گرامی داشتند.

سنندج:

امروز یازده اردیبهشت، اول ماه مه در شهر سنندج علیرغم حکومت نظامی حکومت اسلامی دو مراسم به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد. اینجا عین گزارش خبرنگار حزب کمونیست کارگری را ملاحظه میکنید "در ساعت ۵ عصر کارگران و خانواده هایشان در دسته های بزرگی در نقاط مختلفی جمع شدند. پلیس از ساعت ۳ عصر تمام شهر را بصورت حکومت نظامی در آورده

جمهوری سوسیالیستی،

جمهوری انسانی است!



Iran، نشریه کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران پخش شد. نشریه ای که در آن اطلاعاتی از حزب مربوط به خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، آئی ال او و حمایت جهانی از انقلاب و کارگران ایران درج شده بود. در گوتنبرگ گذاشتن عکس دلارا دارابی دختر جوانی که در اول مه سال گذشته اعدام شد توجه ها را جلب میکرد. در میزهای اطلاعاتی حزب عکس کارگران زندانی گذاشته شده بود. در تامپره فنلاند، آمستردام هلند رفقا عبدال گلپریان، و بابک خانی بعنوان نمایندگان کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران به سخنرانی دعوت شده بودند و سخنرانی آنها با استقبال خوبی روبرو شد. تم اصلی سخنرانی آنها نیز انقلاب ایران و ضرورت همبستگی جهانی با آن بود. در هامبورگ نیز نازی برومند از بلندگوی وسط تظاهرات برای مردم سخنرانی کوتاهی کرد که در آن بر

هنوز در زندان است، دست به ابتکار جالبی زدند. در این روز عکس اسانلو از رهبران سندیکای شرکت واحد را در حالیکه بر لبهای او کاغذی به علامت در بند بودن چسبانده شده و روی آن کاغذ نوشته شده بود، "برای آزادی منصور اسانلو"، روی اتوبوسها نصب بود و توجه ها را بخود جلب میکرد. عفو بین المللی نیز از مردم خواسته است که برای آزادی اسانلو فعالیت کنند. گزارش مفصل تر این فعالیتها را در نشریه ندای انقلاب نشریه کمیته خارج کشور حزب و همچنین نشریه کارگر کمونیست دنبال کنید.*

اهمیت همبستگی با انقلاب مردم ایران و کارگران در ایران تاکید گذاشت و با استقبال و کف زدن جمعیت روبرو شد. یک شاخص مهم این اول مه در خارج کشور جلب توجه جهانی به ایران و انقلاب ایران بود و در بسیاری از سخنرانی ها یک تم بحث بود. از جمله بطور مشخص در هلند رییس سندیکای ترانسپورت مفصل در این مورد صحبت داشت. همچنین روز ۴ مه در شهر ماربورگ آلمان که یک شهر کوچک دانشگاهی است، کارگران اتوبوسرانی این شهر به مناسبت اول مه، و در همبستگی با کارگران شرکت واحد و منصور اسانلو که

صدای کارگران و مردم ایران در میتینگ های اول مه در خارج کشور طنین انداز شد از صفحه ۱۱

مبارزات مردم و کارگران ایران نقش بسته بود و با توزیع اطلاعاتی و نشریات و همچنین در سخنرانی ها و پیام های خود، صدای مردم و کارگران ایران را در این برنامه ها طنین افکندند. میزهای کتاب و اطلاع رسانی حزب مورد استقبال و توجه شرکت کنندگان اول مه قرار میگرفت. در این تظاهرات علاوه بر اطلاعاتی از حزب ترجمه قطعنامه ده تشکل کارگری در ایران به مناسبت اول مه که به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی ترجمه شده بود، پخش شد و در اطلاعاتی "کمیته همبستگی کارگری حزب" خواسته شده بود که از این قطعنامه و خواستههای کارگران که خواستههای کل جامعه است حمایت جهانی شود. در این تظاهرات همچنین نشریه Workers In

مالمو، بوروس، در آلمان (شهرهای فرانکفورت، کلن، هانوفر، هامبورگ، برمن، برلین)، در شهر زوریخ در سوییس، در کانادا (ونکوور و تورنتو)، در آمریکا در واشنگتن دی سی و دالاس، نیروژ (اسلو)، در فنلاند (در شهر تامپره)، در انگلیس لندن، در لیون فرانسه، و در کشورهای استرالیا، ترکیه، یونان و اتریش، فعالین حزب در تظاهرات های اول مه شرکت فعال داشتند. سخنرانی ها و فراخوانیهایی برای حمایت جهانی از کارگران و انقلاب در ایران با استقبال وسیع تظاهر کنندگان اول مه در بسیاری از کشورهای جهان مواجه شد. در همه این کشور ها و در میتینگ ها و برنامه های متعددی، فعالین حزب با برپائی میز اطلاع رسانی، با شعارها و با پلاکاردها و باندرلهایی که بر آنها حمایت از

دانشجویان دانشگاه آزاد شهرکرد و دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز در روز جهانی کارگر و در حمایت و همبستگی با کارگران در این روز دست به اعتصاب غذا زدند. دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز در بزرگداشت روز جهانی کارگر و در همبستگی و حمایت از کارگران در سالن غذاخوری دانشگاه تجمع و سرود خوانی کردند. حراست دانشگاه به دانشجویانی که مراسم را آغاز کرده بودند حمله کرده و مانع پیوستن سایر دانشجویان به آنان شد. همچنین جوانان و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کارگر با تاکید بر خواسته های به حق کارگران و مردم ایران از جمله خواهان آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو جداسازی جنسیتی شدند.

بروچر در روز جهانی کارگر با برپایی مراسمی این روز را گرامی داشتند. در این مراسم در دانشگاه بروچر کارگران و نمایندگان کارگران نیز شرکت داشتند. دانشجویان برای ابراز همبستگی و اتحاد از کارگران برای این مراسم دعوت کرده بودند و با تاکید بر مطالبات کارگران خواهان رفع تبعیض و ستم بر کارگران شدند. مطالباتی که دانشجویان بر آن تاکید داشتند از جمله افزایش دستمزدها و ایجاد اشتغال و امنیت شغلی برای همه و افزایش امکانات رفاهی بود. دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در بزرگداشت روز جهانی کارگر، علیرغم فضای سنگین سرکوب و کنترل دانشجویان امروز صبح در کلاس های درس شرکت نکردند و کلاس ها را تعطیل کردند. دانشجویان همچنین از گرفتن غذا از سلف سرویس دانشگاه امتناع کردند.

کارگری در ایران بمناسبت اول مه خوانده شد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت.

دانشگاهها در روز جهانی کارگر

امسال اول ماه مه، روز جهانی کارگر شاهد بزرگداشت بی سابقه این روز در دانشگاه ها بودیم. دانشجویان با طرح مطالبات خود و کارگران در چندین دانشگاه تجمع و راهپیمایی و اعتصاب کردند. دانشجویان دانشگاه تهران در حالیکه خود را برای پیوستن به صف کارگران در مقابل ساختمان وزارت کار آماده می کردند

متوجه حضور احمدی نژاد در دانشگاه تهران شدند. ورود احمدی نژاد که به طور مخفیانه و بدون خبر قبلی به دانشگاه تهران صورت گرفته بود با اعتراض و خشم دانشجویان مواجه شد. صدها دانشجو در مقابل محل حضور او در دانشکده پزشکی تجمع کردند و شعار می دادند "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد" "مرگ بر دیکتاتور" "دیکتاتور حیا کن دانشگاه ورها کن". دانشجویان بعد از حدود ۲ ساعت تجمع اعتراضی به حضور احمدی نژاد به قصد پیوستن به صفوف کارگران دانشگاه را ترک کردند.

صدها تن از دانشجویان دانشگاه

جنگ و گریز در شهرهای مختلف ... از صفحه ۱

سرافکنندگی به لانه هایشان رفتند. مراسم دیگری در ارتقاعات کوه جاقل که تفریحگاه مردم سقز است برپا شد. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، صبح روز اول مه جمع کثیری از زنان و مردان کارگر برای گرامیداشت روز کارگر از ساعت پنج و نیم صبح در بالای کوه جاقل تجمع کردند و مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار کردند.

زده و پلاکاردهایی را برافراشتند. به مناسبت روز جهانی کارگر قطعنامه ای را خوانده و شعارهای زنده باد اول مه روز جهانی کارگر داده شد.

سقز

در سقز حداقل دو تجمع و راهپیمایی به مناسبت اول مه برپا شد. گزارش یکی از فعالین حزب از یکی از این مراسم ها را اینجا میخوانید:

با تعدادی از کارگران و فعالین کارگری ابتدا به میدان کار روزانه این شهر که کارگران برای کار هرروز در آنجا تجمع میکنند رفتیم. در آنجا یکی از فعالین کارگری از شرکت دخانیات این شهر سخنرانی کرد و بدنبال آن با راهپیمایی به طرف میدان عقاب، سه راهی جامعه، میدان ۲۲ بهمن، چهار راه آزادی حرکت کردیم. در حالیکه لباس شخصیها دور و نزدیک همراهیمان میکردند و تنهائیمان نمیگذاشتند. فضای شهر بسیار نظامی بود انگار کارگران و فعالین هر کدام با مسلسل بیرون آمده بودند. در نهایت ما با شور و شادی به راهپیمایی خود پایان دادیم اما نیروهای سرکوب با

انترناسیونال نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

آزادی، برابری، حکومت کارگری!